**استاندارد حسابداری 42**

**اندازه‌گیری ارزش منصفانه**

(تصویب‌شده 1399)

|  |  |
| --- | --- |
| **فهرست مندرجات** |  |
|  | **از بند** |
| **هدف** | **1** |
| **دامنه کاربرد** | **5** |
| **اندازه‌گیری** | **9** |
| **تعریف ارزش منصفانه** | **9** |
| **دارایی یا بدهی** | **11** |
| **معامله** | **15** |
| **فعالان بازار** | **22** |
| **قیمت** | **24** |
| **کاربرد در مورد داراییهای غیرمالی** | **27** |
| **کاربرد در مورد بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری** | **34** |
| **کاربرد در مورد داراییهای مالی و بدهیهای مالی با موقعیتهای تهاتری در ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری طرف مقابل** | **48** |
| **ارزش منصفانه در شناخت اولیه** | **56** |
| **تکنیکهای ارزشیابی** | **60** |
| **داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشیابی** | **66** |
| **سلسله مراتب ارزش منصفانه** | **71** |
| **افشا** | **90** |
| **تاریخ اجرا** | **99** |
| **مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی** | **100** |
| **پیوستها** |  |
| **الف اصطلاحات تعريف‌شده** |  |
| **ب رهنمود بکارگیری** |  |
| **پ گذار** |  |

*استاندارد حسابداری 42*

## اندازه‌گیری ارزش منصفانه

هدف

1. این استاندارد:

الف. ارزش منصفانه را تعریف می‌کند؛

ب. چارچوب اندازه‌گیری ارزش منصفانه را در یک استاندارد واحد، مقرر مي‌كند؛ و

پ. افشا درباره اندازه‌گیری ارزش منصفانه را الزامی می‌کند.

2. ارزش منصفانه، اندازه‌گیری مبتني بر بازار است و اندازه‌گیری مختص واحد تجاری نیست. در مورد برخي داراییها و بدهیها، ممکن است معاملات قابل مشاهده بازار یا اطلاعات قابل مشاهده بازار در دسترس باشد. اما در مورد سایر داراییها و بدهیها، ممکن است معاملات قابل مشاهده بازار و اطلاعات قابل مشاهده بازار در دسترس نباشد. به هر حال، هدف از اندازه‌گیری ارزش منصفانه در هر دو مورد یکسان است- و آن هدف برآورد قیمتی است که بر اساس آن معامله‌اي نظام‌مند براي فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار انجام مي‌شود (یعنی قيمت خروجی در تاریخ اندازه‌گیری از دیدگاه یک فعال بازار دارنده دارایی یا متعهد بدهی).

3. هنگامی که قيمتی برای یک دارایی یا بدهی همانند، قابل مشاهده نباشد، واحد تجاری ارزش منصفانه را با تکنیک دیگر ارزشيابي که استفاده از داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده مربوط را حداكثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده را حداقل می‌سازد، اندازه‌گيري می‌کند. از آنجا كه ارزش منصفانه، اندازه‌گیری مبتني بر بازار است، این ارزش با استفاده از مفروضاتی، از جمله مفروضات درباره ریسک، اندازه‌گیری مي‌شود که فعالان بازار در قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی مورد نظر استفاده می‌‌كنند. در نتیجه، قصد واحد تجاری برای نگهداری دارایی یا تسویه بدهي یا ایفای آن به طریقی ديگر، بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه تأثیر ندارد.

4. در تعریف ارزش منصفانه، بر داراییها و بدهیها تأكيد مي‌شود، زیرا آنها موضوع اصلی اندازه‌گیری در حسابداری هستند. این استاندارد، همچنين باید برای ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود، بکار گرفته شود.

دامنه کاربرد

5. این استاندارد، به استثناي موارد مشخص‌شده در بندهاي 6 و 7، در مواردی کاربرد دارد که دیگر استانداردهای حسابداری، اندازه‌گیری ارزش منصفانه يا افشا درباره اندازه‌گیری ارزش منصفانه (و اندازه‌گیریهای مبتني بر ارزش منصفانه، مانند ارزش منصفانه پس از كسر مخارج فروش، یا افشا درباره آن اندازه‌گیریها) را الزامي يا مجاز کرده باشد.

6. الزامات اندازه‌گیری و افشا در این استاندارد، در موارد زير کاربرد ندارد:

الف. معاملات اجاره که در دامنه کاربرد استاندارد حسابداری 21 حسابداری اجاره‌ها قرار می‌گیرد؛ و

ب . اندازه‌گیریهایی که شباهتهایی با ارزش منصفانه دارند، اما ارزش منصفانه نيستند، مانند خالص ارزش فروش در استاندارد حسابداری 8 حسابداري‌ موجودي‌ مواد و کالا یا ارزش اقتصادی در استاندارد حسابداری 32 کاهش ارزش داراییها.

7. الزامات افشای مقرر در این استاندارد، در موارد زیر الزامي نيست:

الف. داراییهای طرح که طبق استاندارد حسابداری 33 مزایای بازنشستگی کارکنان به ارزش منصفانه اندازه‌گیری مي‌شود؛ و

ب. سرمایه‌گذاریهای طرحهای مزایای بازنشستگی که طبق استاندارد حسابداری 27 طرحهای مزایای بازنشستگی به ارزش منصفانه اندازه‌گیری مي‌شود.

8. چنانچه به موجب ساير استانداردهاي حسابداری، بکارگیری ارزش منصفانه الزامي يا مجاز شده ‌باشد، چارچوب اندازه‌گیری ارزش منصفانه که در این استاندارد تشریح شده است، هم در اندازه‌گیری اولیه و هم در اندازه‌گیری بعدی کاربرد دارد.

اندازه‌گیری

تعریف ارزش منصفانه

9. این استاندارد، ارزش منصفانه را به عنوان قيمتي تعريف مي‌كند که بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای نظام‌مند بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.

10. در بند ب2، رويكرد كلي اندازه‌گیری ارزش منصفانه تشریح می‌‌شود.

دارایی یا بدهی

11. اندازه‌گیری ارزش منصفانه، در مورد یک دارایی یا یک بدهی مشخص انجام مي‌گيرد. بنابراین، واحد تجاری هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه، باید ویژگیهای دارایی یا بدهی مورد نظر را که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری آن دارایی یا بدهی در تاریخ اندازه‌گیری در نظر مي‌گيرند، مورد توجه قرار دهد. برای مثال، چنین ویژگیهایی شامل موارد زیر است:

الف. وضعیت و موقعيت مکانی دارایی؛ و

ب . محدودیتهای فروش یا استفاده از دارایی، در صورت وجود.

12. اثر ناشی از یک ویژگی خاص بر اندازه‌گیری، با توجه به اینکه ویژگی مزبور چگونه توسط فعالان بازار در نظر گرفته می‌شود، متفاوت خواهد بود.

13. دارایی یا بدهی اندازه‌گيري‌شده به ارزش منصفانه، ممکن است يكي از موارد زیر باشد:

الف. یک دارایی یا یک بدهی به تنهایی (مانند یک ابزار مالی یا یک دارایی غیرمالی)؛ یا

ب. گروهی از داراییها، گروهی از بدهیها یا گروهی از داراییها و بدهیها (مانند یک واحد مولد نقد یا یک فعاليت تجاري).

14. اینکه براي مقاصد شناخت يا افشا، دارایی یا بدهی به تنهایی، گروهی از داراییها، گروهی از بدهیها یا گروهی از داراییها و بدهیها در نظر گرفته شود، به واحد حساب آن بستگی دارد. واحد حساب برای دارایی یا بدهی، به استثناي موارد ارائه‌شده در این استاندارد، باید طبق استاندارد حسابداری که اندازه‌گیری ارزش منصفانه را الزامی یا مجاز می‌‌كند، تعیین شود.

معامله

15. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که دارایی یا بدهی در معامله‌ای نظام‌مند بین فعالان بازار، بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار، مبادله می‌شود.

16. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که معامله فروش دارایی یا انتقال بدهی در یکی از بازارهاي زیر اتفاق می‌افتد:

الف. بازار اصلی برای دارایی یا بدهی؛ یا

ب. در صورت نبود بازار اصلی، بازار دارای بیشترین مزایا برای دارایی یا بدهی.

17. واحد تجاري برای تشخیص بازار اصلی، یا در صورت نبود بازار اصلی، برای شناسایی بازار دارای بیشترین مزایا، نیازی نیست به جستجوی جامع بازارهاي ممکن بپردازد، اما تمام اطلاعاتی که بطور معقول در دسترس است را باید در نظر بگیرد. در صورت نبود شواهد نقض‌كننده، بازاری که بطور معمول واحد تجاری در آن مبادرت به انجام معامله فروش دارایی یا انتقال بدهی می‌کند، بازار اصلی، يا در صورت نبود بازار اصلي، بازار دارای بیشترین مزایا فرض می‌شود.

18. چنانچه برای دارایی یا بدهی بازار اصلی وجود داشته باشد، اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید بیانگر قيمت در آن بازار باشد (صرف‌نظر از اينكه آن قيمت بطور مستقیم قابل‌ مشاهده باشد یا با استفاده از تکنیک دیگر ارزشيابي برآورد شود)، حتی اگر در تاريخ اندازه‌گيري، قيمت در يك بازار دیگر بطور بالقوه باصرفه‌تر است.

19. واحد تجاری باید در تاریخ اندازه‌گیری، به بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) دسترسی داشته باشد. از آنجا که واحدهای تجاری مختلف (و فعاليتهاي تجاري آن واحدهای تجاری) دارای فعالیتهای متفاوت، ممکن است به بازارهای متفاوتی دسترسی داشته باشند، بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای دارایی یا بدهی همانند، در واحدهای تجاری مختلف (و فعاليتهاي تجاري آن واحدهای تجاری) می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، بازار اصلی یا بازار (دارای بیشترین مزایا)، (و در نتيجه فعالان بازار)، باید از دیدگاه واحد تجاری مورد توجه قرار گیرد تا تفاوت میان واحدهای تجاری مختلف دارای فعالیتهای متفاوت، مشخص گردد.

20. اگرچه واحد تجاری باید بتواند به بازار دسترسی داشته باشد، اما نیازی نیست در تاریخ اندازه‌گیری بتواند دارایی مشخصی را بفروشد یا بدهی مشخصي را انتقال دهد تا بتواند ارزش منصفانه را برمبنای قيمت در آن بازار اندازه‌گيري كند.

21. حتی زمانی که بازار قابل‌ مشاهده‌ای برای فراهم کردن اطلاعات قیمت‌گذاری‌ درباره فروش دارایی یا انتقال بدهی در تاریخ اندازه‌گیری وجود نداشته باشد، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که از دیدگاه فعال بازار که دارنده دارایی یا متعهد بدهی است، معامله‌اي در آن تاریخ انجام می‌شود. این معامله فرضی، مبنایی برای برآورد قيمت فروش دارایی یا انتقال بدهی فراهم مي‌كند.

فعالان بازار

22. واحد تجاری باید ارزش منصفانه دارایی یا بدهی را با استفاده از مفروضاتی اندازه‌گیری کند که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند، با این فرض که فعالان بازار در جهت بهترین منافع اقتصادي خود اقدام می‌کنند.

23. در تعیین چنین مفروضاتی، واحد تجاري نیازی نیست فعالان خاصی را در بازار مشخص كند؛ بلکه واحد تجاری، با در نظر گرفتن عوامل مربوط به تمام موارد زير، باید ویژگیهایی را مشخص کند که فعالان بازار را بطور کلی متمایز می‌کند:

الف. دارایی یا بدهی؛

ب . بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای دارایی یا بدهی؛ و

پ . فعالان بازار که واحد تجاری، در آن بازار با آنها معامله می‌كند.

## قيمت

24. ارزش منصفانه، قيمتي است که بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای نظام‌مند بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود (یعنی قیمت خروجی)، صرف‌نظر از اينکه قيمت مزبور بطور مستقیم قابل‌ مشاهده باشد یا با استفاده از تکنیک دیگر ارزشيابي برآورد شود.

25. قيمتی که در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی یا بدهی مورد استفاده قرار می‌گیرد، نباید بابت مخارج معامله تعدیل شود. مخارج معامله باید طبق سایر استانداردهای حسابداری به حساب منظور شود. مخارج معامله، ویژگی دارایی یا بدهی محسوب نمی‌شود، بلکه این مخارج، مختص یک معامله است و با توجه به چگونگی انجام معامله دارایی یا بدهی توسط واحد تجاری، متفاوت است.

26. مخارج معامله، مخارج حمل را شامل نمی‌شود. اگر موقعیت مكاني، از ویژگیهای دارایی محسوب شود (برای مثال، همان‌گونه كه ممکن است در مورد یک کالا مصداق داشته باشد)، قيمت در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) باید بابت مخارجی تعدیل شود که در صورت وجود، در نتیجه حمل دارایی از موقعیت مکانی فعلی به آن بازار تحمل می‌شود.

## کاربرد در مورد داراییهای غیرمالی

## بيشترين و بهترین استفاده از داراییهای غیرمالی

27. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی غیرمالی، توانایی فعالان بازار برای ایجاد منافع اقتصادی از طريق بيشترين و بهترین استفاده از دارايي مورد نظر یا فروش آن به دیگر فعالان بازار که از آن دارایی بيشترين و بهترین استفاده را می‌کنند، در نظر گرفته می‌شود.

28. در بيشترين و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی، امکانپذیر بودن استفاده از دارايي به لحاظ فیزیکی، مجاز بودن از نظر قانونی و قابل توجیه ‌بودن از نظر مالی، به شرح زیر در نظر گرفته می‌شود:

الف . براي امکانپذیر بودن استفاده به لحاظ فیزیکی، ویژگیهای فیزیکی دارایی که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی مد نظر قرار می‌دهند (مانند موقعیت مكاني یا اندازه دارایی).

ب. براي مجاز بودن استفاده از نظر قانونی، محدودیتهای قانونی برای استفاده از دارایی که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی مد نظر قرار می‌دهند (مانند مقررات منطقه‌ای قابل اعمال در مورد دارایی).

پ. براي قابل توجیه بودن استفاده از نظر مالی، این موضوع که آیا استفاده از یک دارایی که از نظر فیزیکی امكانپذير و از نظر قانونی مجاز است، درآمد یا جریانهای نقدی کافی ایجاد می‌کند (با در نظر گرفتن مخارج تبدیل دارایی برای استفاده مورد نظر) تا بازده سرمایه‌گذاری فعالان بازار از سرمایه‌گذاری در آن دارایی تأمين شود یا خیر.

29. بيشترين و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی، از دیدگاه فعالان بازار تعیین می‌شود، حتی اگر واحد تجاری قصد استفاده متفاوتي از آن دارایی داشته باشد. به هر حال، فرض بر این است که استفاده فعلی واحد تجاری از دارایی غیرمالی، بيشترين و بهترین استفاده است، مگر اینکه بازار یا سایر عوامل نشان دهد که استفاده متفاوت توسط فعالان بازار، ارزش دارایی را حداکثر خواهد کرد.

30. واحد تجاری ممکن است برای حفظ موقعیت رقابتی یا به دلایل دیگر، قصد استفاده فعال يا بيشترين و بهترين استفاده از دارایی غیرمالی تحصیل‌شده را نداشته باشد. برای مثال، اين مورد زماني مصداق دارد كه واحد تجاری دارایی نامشهود تحصیل‌شده را به صورت تدافعي و به منظور جلوگیری از استفاده دیگران مورد استفاده قرار ‌دهد. با وجود اين، واحد تجاری باید ارزش منصفانه دارایی غیرمالی را با فرض بیشترین و بهترین استفاده از آن دارایی توسط فعالان بازار اندازه‌گیری کند.

## پیش فرض ارزشيابي برای داراییهای غیرمالی

31. بيشترين و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی، تعیین‌کننده پیش‌فرض ارزشيابي مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی به شرح زیر است:

الف. بیشترين و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی، ممكن است از طریق استفاده از آن دارایی در ترکیب با سایر داراییها به عنوان یک گروه (پس از نصب یا سایر شیوه‌های آماده‌سازی برای استفاده) یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها (برای مثال، يك فعاليت تجاري)، حداكثر ارزش را براي فعالان بازار ایجاد كند.

1. اگر بيشترين و بهترین استفاده از دارایی، استفاده از دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها باشد، ارزش منصفانه دارایی قيمتي است که در یک معامله جاري بابت فروش دارایی دریافت می‌شود، با اين فرض که آن دارایی همراه با سایر داراییها، یا همراه با سایر داراییها و بدهیها مورد استفاده قرار مي‌گيرد و داراييها و بدهيهای مزبور (یعنی داراییهای مکمل و بدهیهای مربوط به آن) در دسترس فعالان بازار است.

2. بدهیهای مرتبط با دارایی مزبور و بدهیهای مرتبط با داراییهای مکمل، شامل بدهیهایی است که سرمایه در گردش را تأمین می‌‌كند، اما شامل بدهیهای مورد استفاده برای تأمین مالي داراییهایی به غیر از گروه داراییها نمی‌شود.

3. مفروضات مربوط به بيشترين و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی، باید برای تمام داراییها (که بیشترین و بهترین استفاده در مورد آنها مربوط است) در گروه داراییها يا گروه داراييها و بدهیها كه دارايي در آن گروه مورد استفاده قرار می‌گیرد، متناقض نباشد.

ب. بيشترين و بهترین استفاده از یک دارایی غیرمالی ممكن است بر مبنای استفاده مستقل از دارايي، حداکثر ارزش را براي فعالان بازار فراهم كند. اگر بيشترين و بهترین استفاده از دارایی، بر مبنای استفاده مستقل از دارایی باشد، ارزش منصفانه دارایی، قيمتي است که در معامله جاري، بابت فروش دارایی به فعالان بازار كه دارایی را به صورت مستقل مورد استفاده قرار می‌دهند، دريافت مي‌شود.

32. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی غیرمالی، فرض می‌شود که دارایی مطابق با واحد حساب مشخص‌‌شده در سایر استانداردهای حسابداری (که ممکن است یک دارایی منفرد باشد) به فروش می‌رسد. این موضوع حتی هنگامی که در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض می‌‌شود بيشترين و بهترین استفاده از دارایی از طریق ترکیب با سایر داراییها یا از طریق ترکیب با سایر داراییها و بدهیها به‌دست می‌آید، مصداق دارد، زیرا در اندازه‌گیری ارزش منصفانه فرض بر این است که فعالان بازار، داراییهای مکمل و بدهیهای مربوط به آن را در حال حاضر در اختیار دارند.

33. بند ب3، کاربرد مفهوم پیش‌فرض ارزشيابي برای داراییهای غیرمالی را تشریح مي‌کند.

کاربرد در مورد بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاري

## اصول کلی

34. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، فرض بر این است که بدهی مالی، بدهی غیرمالی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری (مانند ابزارهای مالکانه منتشرشده به عنوان مابه‌ازا در ترکیب تجاری) در تاریخ اندازه‌گیری به فعالان بازار انتقال می‌یابد. در انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری، فرض بر این است که:

الف. بدهی به شکل تسویه‌نشده باقي مي‌ماند و فعال بازار که انتقال‌گیرنده است، ملزم به ايفاي آن تعهد می‌باشد. بدهی، در تاریخ اندازه‌گیری، با طرف مقابل تسویه نمی‌شود یا به طریق دیگری خاتمه نمی‌یابد.

ب. ابزار مالکانه خود واحد تجاری، همچنان در جریان باقی می‌ماند و فعال بازار که انتقال‌گیرنده است، حقوق و مسئولیتهای مرتبط با آن ابزار را می‌پذیرد. ابزار مالکانه، در تاریخ اندازه‌گیری، ابطال نمی‌شود یا به طریق دیگری خاتمه نمی یابد.

35. حتی هنگامی که بازار قابل مشاهده‌اي برای ارائه اطلاعات قیمت‌گذاری درباره انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاري وجود ندارد (براي مثال، به دليل وجود محدودیتهای قراردادي یا سایر محدودیتهای قانونی که مانع انتقال این اقلام مي‌شود)، در صورت نگهداری اين اقلام به عنوان دارایی توسط اشخاص دیگر، ممکن است بازار قابل مشاهده‌ای برای آنها‌ وجود داشته باشد (مانند اوراق مشارکت یا اختیار خرید سهام واحد تجاری).

36. واحد تجاری، در تمام موارد، برای دستیابی به هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید استفاده از داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده مربوط را حداکثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده را حداقل کند. هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه، برآورد قيمتي است که در تاریخ اندازه‌گیری در شرايط جاری بازار، در معامله‌اي نظام‌مند بین فعالان بازار، بدهی یا ابزار مالکانه به آن قیمت منتقل می‌شود.

بدهیها و ابزارهای مالکانه نگهداری‌شده به عنوان دارایی توسط اشخاص دیگر

37. هنگامی که قيمت اعلام‌شده برای انتقال یک بدهی همانند یا مشابه یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری در دسترس نباشد و شخص دیگری، قلم همانندی را به عنوان دارایي در اختیار داشته باشد، واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را از دیدگاه یک فعال‌ بازار که در تاریخ اندازه‌گیری، آن قلم همانند را به عنوان دارايي در اختیار دارد، اندازه‌گیری کند.

38. در چنین مواردی، واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را به شرح زیر اندازه‌گیری کند:

الف. استفاده از قيمت اعلام‌شده در بازار فعال برای قلم همانندی که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری می‌شود، در صورتي كه این قيمت در دسترس باشد.

ب. در صورتی که قيمت مزبور در دسترس نباشد، استفاده از سایر داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده، مانند قيمت اعلام‌شده در بازار غیرفعال برای قلم همانندی که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری می‌شود.

پ. در صورتی که قيمتهای قابل مشاهده ذكرشده در قسمتهای (الف) و (ب) در دسترس نباشد، استفاده از یک تکنیک ديگر ارزشيابي مانند:

**1.** **تکنیک با** رويكرد درآمد (براي مثال، تکنیک ارزش فعلی که از جریانهای نقدی آتی استفاده می‌کندکه فعال بازار انتظار دارد در قبال نگهداری بدهی یا ابزار مالکانه به عنوان دارایی دریافت نماید؛ به بندهاي ب10 و ب11 مراجعه شود).

**2**. **تکنیک با** رويكرد بازار (براي مثال، استفاده از قيمتهاي اعلام‌‌شده برای بدهیها یا ابزارهای مالکانه مشابه که توسط طرفهای دیگر به عنوان دارایی نگهداری می‌شود؛ به بندهاي ب5 تا ب7 مراجعه شود).

39. واحد تجاری باید قيمت اعلام‌شده برای بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاري را که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری می‌شود، تنها در صورتی تعدیل کند که عواملي مختص دارایی وجود داشته باشد که در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه قابل استفاده نباشد. واحد تجاری باید اطمینان یابد که قيمت دارایی تحت تأثیر محدودیتي كه مانع فروش آن دارایی مي‌شود قرار نگرفته است. برخي عوامل که ممكن است نشان دهد قيمت اعلام‌شده دارایی باید تعدیل شود، شامل موارد زیر است:

الف. قيمت اعلام‌شده برای دارایی، در ارتباط با بدهی یا ابزار مالکانه مشابه (اما غیرهمانند) است و توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداري مي‌شود. براي مثال، بدهی یا ابزار مالکانه ممكن است ویژگی خاصی داشته باشد (برای مثال، وضعیت اعتباری ناشر) که با آنچه در ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه مشابه نگهداری‌شده به عنوان دارایی منعكس شده، متفاوت است.

ب. واحد حساب دارایی با واحد حساب بدهی یا ابزار مالکانه یکسان نیست. براي مثال، در مورد بدهیها، در برخی موارد قيمت دارایی منعکس‌کننده قيمت ترکیبی مجموعه‌اي متشکل از تعهدات ناشر و تضمینهای اعتباری شخص ثالث است. اگر واحد حساب بدهی، واحد حساب مجموعه ترکیب‌شده نباشد، هدف، اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی ناشر است، و نه ارزش منصفانه مجموعه ترکیب‌شده. بنابراین، در چنین مواردی، واحد تجاری به منظور حذف اثر تضمین اعتباری شخص ثالث، قيمت مشاهده‌شده برای دارایی را تعدیل می‌کند.

بدهیها و ابزارهایی که توسط اشخاص دیگر، به عنوان دارایی نگهداری نمي‌شود

40. هنگامی که قيمت اعلام‌شده‌ای برای انتقال یک بدهی همانند یا مشابه یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری در دسترس نباشد و شخص دیگر، قلم همانندی را به عنوان دارایی نگهداری نکند، واحد تجاری باید ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه را از دیدگاه یک فعال بازار که در قبال بدهی متعهد است یا ابزار مالکانه را منتشر کرده است، با استفاده از یک تکنیک ارزشیابی اندازه‌گیری کند.

41. براي مثال، واحد تجاری ممکن است هنگام استفاده از تکنیک ارزش فعلی، یکی از موارد زير را درنظر بگیرد:

الف. جریانهای نقدی خروجی آتی که فعال بازار انتظار دارد هنگام ایفای تعهد واقع شود که شامل مابه‌ازايي است كه فعال بازار برای تقبل تعهد، آن را مطالبه می‌کند (به بندهای ب31 تا ب33 مراجعه شود).

ب. مبلغی که فعال بازار، براي تقبل یا انتشار ابزار بدهی یا ابزار مالکانه همانند دريافت مي‌كند. این مبلغ مبتنی بر مفروضاتی است که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری قلم همانند (براي مثال، با ویژگیهاي اعتباری یکسان) در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای انتشار ابزار بدهی یا ابزار مالکانه با شرایط قراردادی یکسان، مورد استفاده قرار می‌دهند.

## ریسک عدم ایفای تعهد

42. ارزش منصفانه بدهی، اثر ریسک عدم ایفای تعهد را منعكس مي‌کند. ریسک عدم ایفای تعهد شامل ریسک اعتباری خود واحد تجاری است (طبق تعريف استاندارد حسابداری 37 ابزارهای مالی: افشا)، اما محدود به آن نمي‌شود. فرض مي‌شود ریسک عدم ایفای تعهد، قبل و بعد از انتقال بدهی، یکسان است.

43. واحد تجاری هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک بدهی، باید اثر ریسک اعتباری خود (وضعیت اعتباری) و سایر عواملی را در نظر بگیرد که ممكن است احتمال ایفا یا عدم ایفای تعهد را تحت تأثیر قرار دهد. این اثر ممکن است با توجه به بدهی متفاوت باشد، براي مثال:

الف. اينكه بدهی، تعهد تحویل نقد (بدهی مالی) است یا تعهد تحويل کالا یا خدمات (بدهی غیرمالی).

ب. شرایط تضمین اعتباری مرتبط با بدهی، در صورت وجود.

44. ارزش منصفانه بدهی، اثر ریسک عدم ایفای تعهد را بر مبنای واحد حساب آن منعكس مي‌كند. ناشر بدهی منتشرشده همراه با یک تضمین اعتبار جدانشدنی شخص ثالث که جدا از بدهی گزارش می‌شود، نباید اثر تضمین اعتبار (مانند تضمین بدهی توسط شخص ثالث) را در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی در نظر گیرد. اگر تضمین اعتبار جدا از بدهی در نظر گرفته می‌شود، ناشر هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی، همچنان وضعیت اعتباری خود را در نظر می‌گیرد و نه وضعیت اعتباری شخص ثالث تضمین‌کننده.

## محدودیتی که از انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری جلوگیری می‌کند

45. واحد تجاری هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری، نباید داده ورودی مستقل لحاظ کند یا تعدیلی در سایر داده‌های ورودی مرتبط با وجود محدودیتی که از انتقال آن قلم جلوگیری می‌کند صورت دهد. اثر محدودیتي که از انتقال بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری جلوگیری می‌کند، به صورت صريح يا ضمني در سایر داده‌های ورودی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه منظور شده است.

46. براي مثال، هم اعتباردهنده و هم ناشر، در تاریخ معامله، قيمت معامله بدهی را با آگاهي کامل از اینکه تعهد شامل محدودیتی است که از انتقال آن جلوگیری می‌کند، پذیرفته‌اند. با توجه به لحاظ شدن محدودیت در قيمت معامله، ضرورتی ندارد در تاریخ معامله، به منظور انعکاس اثر محدودیت بر انتقال، داده ورودی مستقل لحاظ شود یا تعديلي در داده‌های موجود صورت گيرد. همچنین، در تاریخهای بعدی اندازه‌گیری، لحاظ كردن داده ورودی مستقل یا تعدیل داده‌ ورودی موجود به منظور انعکاس اثر محدودیت بر انتقال الزامي نیست.

## بدهی مالی با ویژگی عندالمطالبه

47. ارزش منصفانه یک بدهی مالی با ویژگی عندالمطالبه (براي مثال، سپرده دیداری) از ارزش منصفانه مبلغ قابل پرداخت در صورت مطالبه، که از نخستین تاریخی که آن مبلغ می‌تواند قابل پرداخت باشد تنزیل شده است، كمتر نیست.

کاربرد در مورد داراییهای مالی و بدهیهای مالی با موقعیتهای تهاتری در ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری طرف معامله

48. یک واحد تجاری که گروهی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی را نگهداری می‌کند، در معرض ریسکهای بازار (طبق تعریف استاندارد حسابداری 37) و ریسک اعتباری (طبق تعریف استاندارد حسابداری 37) هر یک از طرفهای معامله قرار دارد. چنانچه واحد تجاری، آن گروه از داراییهای مالی و بدهیهای مالی را بر مبنای خالص آسیب‌پذیری خود از ریسکهای بازار یا ریسک اعتباری مدیریت کند، واحد تجاری مجاز به استفاده از استثنای اين استاندارد در اندازه‌گیری ارزش منصفانه است. اين استثنا، به واحد تجاری اجازه می‌دهد تا ارزش منصفانه گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را بر مبنای قيمتی اندازه‌گیری کند که در معامله‌ای نظام‌مند بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاري بازار، بابت فروش موقعيت خريد خالص (یعنی دارایی) در سطح ریسک مشخص، دریافت، یا در نتیجه انتقال موقعيت فروش خالص (یعنی بدهی) در سطح ریسک مشخص، پرداخت خواهد شد. به همین ترتيب، واحد تجاری باید ارزش منصفانه گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را در تاریخ اندازه‌گیری، طبق نحوه قیمت‌گذاری خالص آسیب‌پذیری از ریسک توسط فعالان بازار، اندازه‌گیری کند.

49. واحد تجاری تنها در صورت انجام تمام موارد زیر، مجاز به استفاده از استثنای مندرج در بند 48 است:

الف. گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی را طبق مدیریت ریسک یا راهبرد سرمایه‌گذاری مستندشده واحد تجاری، بر مبنای خالص آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک (یا ریسکهای) خاص بازار یا ریسک اعتباری خاص طرف معامله مدیریت کند؛

ب. اطلاعاتی درباره گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی، برای مديران اصلی واحد تجاری طبق تعريف استاندارد حسابداری 12 افشای اطلاعات اشخاص وابسته، بر مبنای اشاره‌شده در قسمت الف تهیه کند؛ و

پ. ملزم باشد یا تصمیم گرفته ‌باشد داراییهای مالی و بدهیهای مالی مزبور را در صورت وضعیت مالی در پایان هر دوره گزارشگری، به ارزش منصفانه اندازه‌گيري نماید.

50. استثنای مندرج در بند 48، به ارائه صورتهای مالی ارتباط ندارد. در برخي موارد، برای مثال، زمانی که يكي از استانداردهاي حسابداری، ارائه ابزارهای مالی بر مبنای خالص را الزامي يا مجاز نمی‌داند، مبنای ارائه ابزارهای مالی در صورت وضعیت مالی با مبنای اندازه‌گیری ابزارهای مالی تفاوت دارد. درچنین موارد، واحد تجاری ممكن است ملزم باشد تعدیلات در سطح پرتفوی (به بندهاي 52 تا 55 مراجعه شود) را به هر یک از داراییها یا بدهیهای تشکیل‌دهنده گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی که بر مبنای خالص آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک مدیریت می‌شود، تخصیص دهد. واحد تجاری باید چنین تخصیصهايي را بر مبنایی معقول و يكنواخت، با استفاده از روش‌شناسی متناسب با شرایط انجام دهد.

51. واحد تجاری برای استفاده از استثنای مندرج در بند 48، باید درباره رويه حسابداري، طبق استاندارد حسابداری 34 رويه‌هاي حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، تصمیم‌گیری کند. واحد تجاری که از این استثنا استفاده مي‌كند، باید این رويه حسابداری، شامل رويه تخصیص تعدیلات قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش (به بندهاي 52 تا 54 مراجعه شود) و تعدیلات اعتباری (به بند 55 مراجعه شود) را، در موارد مقتضي، به صورت يكنواخت طی دوره‌های مختلف برای پرتفویی خاص بكار گيرد.

## آسیب‌پذیری از ریسکهای بازار

52. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند 48 برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه گروهی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی، که بر مبنای خالص آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک (یا ریسکهای) بازار مدیریت می‌شود، واحد تجاری باید قيمتي را در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش بكار گيرد كه بهترین معرف از ارزش منصفانه در شرایط خالص آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسکهای بازار است (به بندهای 69 و 70 مراجعه شود).

53. واحد تجاری هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند 48، باید اطمینان یابد که ریسک (یا ریسکهای) بازار که واحد تجاری در آن گروه داراییهای مالی و بدهیهای مالی، در معرض آن (آنها) قرار دارد، تا حد زيادي یکسان است. براي مثال، واحد تجاری ریسک نرخ سود مرتبط با یک دارایی مالی را با ریسک قيمت کالای مرتبط با یک بدهی مالی ترکیب نمی‌کند، زیرا این کار، آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک نرخ سود یا ریسک قیمت کالا را كاهش نمي‌دهد. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند 48، باید برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه داراییهای مالی و بدهیهای مالی گروه، هرگونه ریسک پایه ناشی از پارامترهای غیرهمانند ریسک بازار در نظر گرفته شود.

54. به همین ترتیب، مدت زمان قرار گرفتن واحد تجاری در معرض ریسک (یا ریسکهای) بازار ناشی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی، باید تا حد زيادي یکسان باشد. براي مثال، یک واحد تجاری كه از قرارداد آتی 12 ماهه در برابر جریانهای نقدی مرتبط با آسیب‌پذیری از ریسک نرخ سود 12 ماهه مربوط به یک ابزار مالی 5 ساله‌ در گروهی صرفاً متشکل از آن داراییهاي مالي و بدهیهای مالی استفاده می‌کند، ارزش منصفانه آسیب‌پذیری از ریسک نرخ سود 12 ماهه را بر مبنای خالص و ارزش منصفانه آسیب‌پذیری از باقیمانده ریسک نرخ سود (یعنی سالهای دوم تا پنجم) را بر مبنای ناخالص اندازه‌گیری می‌کند.

## آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری یک طرف معامله مشخص

55. هنگام بکارگیری استثنای مندرج در بند 48 برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه گروهی از داراییهای مالی و بدهیهای مالی در ارتباط با یک طرف معامله مشخص، زمانی که فعالان بازار توافقهای موجود که موجب کاهش آسیب‌پذیری از ریسک اعتباری در شرایط نكول می‌شوند را در نظر می‌گیرند، واحد تجاری باید اثر خالص آسیب‌پذیری واحد تجاری از ریسک اعتباری مرتبط با طرف معامله یا خالص آسیب‌پذیری آن طرف معامله از ریسک اعتباری واحد تجاری را در اندازه‌‌گیری‌ ارزش منصفانه لحاظ کند (براي مثال، توافقهای جامع خالص‌سازی با طرف معامله يا توافقی که مستلزم مبادله وثیقه بر مبنای خالص آسیب‌پذیری هر يك از طرفهای معامله از ریسک اعتباری طرف دیگر است). اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید منعکس‌کننده انتظارات فعالان بازار از احتمال اجرایی شدن قانونی براي چنين توافقی در شرایط نكول باشد.

ارزش منصفانه در شناخت اولیه

56. هنگامی که در یک عملیات مبادله‌ای، یک دارایی تحصیل یا یک بدهی تقبل می‌شود، قيمت معامله معادل قيمت پرداختی برای تحصیل دارایی یا قيمت دریافتی برای تقبل بدهی (قيمت ورودی) است. در مقابل، ارزش منصفانه دارایی یا بدهی قيمتي است که در ازای فروش دارایی، دریافت یا در ازای انتقال بدهی، پرداخت می‌شود (قيمت خروجی). واحدهای تجاری لزوماً داراییها را به قيمت پرداخت‌شده برای تحصیل آنها نمي‌فروشند. به همین ترتیب، واحدهاي تجاري لزوماً بدهیها را به قيمت دریافت‌شده در ازای تقبل آنها منتقل نمي‌كنند.

57. در بسیاری موارد، قيمت معامله با ارزش منصفانه برابر است (براي مثال، اين مورد زمانی مصداق دارد که در تاریخ معامله، خرید یک دارایی در بازاری انجام ‌شود که آن دارایی به فروش می‌رسد).

58. واحد تجاری هنگام تعیین اینکه ارزش منصفانه در شناخت اولیه، با قيمت معامله برابر است یا خیر، باید عوامل مختص به آن معامله و آن دارایی یا بدهی را در نظر بگیرد. در بند ب4، شرایطی توصيف می‌شود که در آن شرایط، قيمت معامله ممکن است بیانگر ارزش منصفانه دارایی یا بدهی در شناخت اولیه نباشد.

59. چنانچه استاندارد حسابداری دیگری، واحد تجاری را در شناخت اولیه ملزم يا مجاز به اندازه‌گیری یک دارایی یا یک بدهی به ارزش منصفانه کند و قيمت معامله با ارزش منصفانه تفاوت داشته باشد، واحد تجاری باید هرگونه سود یا زیان حاصل را در صورت سود و زیان شناسايي كند، مگر اینكه استاندارد مزبور، نحوه عمل دیگری را تعیین کرده باشد.

تکنیکهای ارزشيابي

60. واحد تجاری باید از تکنیکهای ارزشيابي استفاده کند که متناسب با شرايط است و به منظور اندازه‌گيري ارزش منصفانه، برای آنها داده‌های کافی در دسترس می‌باشد و استفاده از داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده مربوط را حداكثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده را حداقل می‌کند.

61. هدف از استفاده از یک تکنیک ارزشیابی، برآورد قیمتی است که بر اساس آن، معامله‌اي نظام‌مند براي فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار انجام مي‌شود. سه تکنیک ارزشيابي که در سطح وسیع مورد استفاده قرار می‌گیرد، شامل تکنیک با رويكرد بازار، تکنیک با رويكرد بهاي تمام شده و تکنیک با رويكرد درآمد است. جنبه‌های اصلی این رويكردها در بندهای ب5 تا ب11 بطور خلاصه ارائه می‌شود. یک واحد تجاری برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید از تکنیکهای ارزشيابي سازگار با يك يا چند رويكرد از آن رویکردها استفاده نماید.

62. در برخي موارد، تنها یک تکنیک ارزشيابي مناسب است (مانند زمانی که دارایی یا بدهی، با استفاده از قيمتهای اعلام‌شده در بازاری فعال برای داراییها يا بدهیهای همانند، ارزشیابی می‌شود). در سایر موارد، چندین تکنیک ارزشيابي مناسب خواهد بود (مانند ارزشيابي یک واحد مولد نقد). چنانچه از چندین تکنیک ارزشيابي برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه استفاده می‌شود، نتایج (یعنی شاخصهاي مربوط به ارزش منصفانه) باید با توجه به معقول بودن دامنه ارزشهای مبتني بر آن نتایج، ارزیابی شود. اندازه‌گیری ارزش منصفانه، نقطه‌ای از آن دامنه است که بهترین معرف از ارزش منصفانه در آن شرايط ‌باشد.

63. اگر قيمت معامله، ارزش منصفانه در شناخت اولیه باشد و برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه در دوره‌های بعد، از یک تکنیک ارزشيابي استفاده شود که از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده استفاده می‌‌کند، تکنیک ارزشيابي مذکور باید به‌گونه‌اي تنظیم شود که نتيجه آن در شناخت اولیه، با قيمت معامله برابر باشد. تنظیم تکنیک ارزشیابی اطمینان می‌دهد که تکنیک ارزشيابي شرایط جاري بازار را منعكس و به واحد تجاری در تعیین اینکه تعديل تکنیک ارزشيابي ضرورت دارد یا خیر (براي مثال، ممکن است دارایی یا بدهی دارای یک ویژگی باشد که در تکنیک ارزشيابي مورد توجه قرار نگرفته‌ است)، کمک می‌کند. پس از شناخت اولیه، هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه با استفاده از تکنیک يا تکنیکهای ارزشيابي که از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده استفاده می‌کنند، واحد تجاری باید اطمینان یابد که آن تکنیکهای ارزشیابی، داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده در بازار (مانند قيمت دارایی یا بدهی مشابه) را در تاريخ اندازه‌گيري منعكس مي‌كنند.

64. تکنیکهای ارزشيابي مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید با ثبات رویه بکار گرفته شود. با وجود اين، تغییر در تکنیک ارزشيابي یا بکارگیری آن (برای مثال، تغییر در وزن آن تکنیک هنگام استفاده از چندین تکنیک ارزشيابي یا تغییر در تعدیل اعمال‌شده در تکنیک ارزشيابي)، هنگامی مناسب است که آن تغییر، منجر به مبلغی شود كه معرف بهتری از ارزش منصفانه یا معادل تکنیک قبلی معرف ارزش منصفانه در آن شرایط باشد. براي مثال، این مورد ممکن است در صورت وقوع هر یک از رویدادهای زیر مصداق داشته باشد:

الف. ایجاد بازارهای جدید؛

ب. در دسترس بودن اطلاعات جدید؛

پ. در دسترس نبودن اطلاعات استفاده‌شده در گذشته؛

ت. بهبود تکنیکهای ارزشيابي؛ يا

ث. تغییر شرایط بازار.

65. تجدیدنظرهای ناشی از تغییر در یک تکنیک ارزشيابي یا بکارگیری آن، باید طبق استاندارد حسابداری 34 به عنوان تغییر در برآورد حسابداری محسوب شود. با وجود اين، افشاهاي مندرج در استاندارد حسابداری 34 درخصوص تغییر در برآورد حسابداری، بابت تجدیدنظرهای ناشي از تغيير در یک تکنیک ارزشيابي یا بکارگیری آن، الزامی نیست.

داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشيابي

## اصول کلی

66. در تکنیکهای ارزشيابي بکارگرفته ‌شده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، باید استفاده از داده‌های ورودی قابل مشاهده مربوط، حداکثر و استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده حداقل شود.

67. مثالهایی از بازارهايي که در آن، داده‌های ورودی مربوط به برخی داراییها و بدهیها (براي مثال ابزارهای مالی) ممکن است قابل‌ مشاهده باشد، بازارهای بورس، بازارهای معامله‌گری، بازارهای کارگزاری و بازارهای بدون واسطه است (به بند ب34 مراجعه شود).

68. یک واحد تجاری باید داده‌های ورودی را انتخاب کند که با ویژگیهاي دارایی یا بدهی مورد نظر که فعالان بازار در معامله آن دارایی یا بدهی در نظر می‌گیرند، سازگار باشد (به بندهای 11 و 12 مراجعه شود). در برخی موارد، آن ویژگیها منجر به انجام تعدیل، مانند صرف یا كسر، می‌شود (براي مثال، صرف کنترل یا كسر منافع فاقد حق کنترل). با وجود این، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه نباید صرف یا كسري لحاظ شود که با واحد حساب مندرج در استانداردی که اندازه‌گیری ارزش منصفانه را الزامی یا مجاز می‌کند، سازگار نباشد (به بندهای 13 و 14 مراجعه شود). صرفها یا كسرهایي که اندازه را به عنوان ويژگي میزان نگهداری دارایی و بدهی توسط واحد تجاری (به ویژه، طبق توصیف بند 79، عامل عرضه بلوکی که قيمت اعلام‎شده دارایی یا بدهی را به اين دليل تعدیل می‌کند که حجم عادي معاملات روزانه بازار به اندازه‌ای نیست که مقادیر نگهداری‌شده توسط واحد تجاری را جذب کند)، نه به عنوان ویژگی دارایی یا بدهی (برای مثال، صرف کنترل هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه منافع دارای حق کنترل) منعکس می‌کند، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه در نظر گرفته نمی‌شود. در تمام موارد، به استثنای موارد مشخص‌شده در بند 78، چنانچه قيمت اعلام‌شده در یک بازار فعال (یعنی داده‌ ورودی سطح 1) برای دارایی یا بدهی وجود داشته باشد، واحد تجاری باید هنگام اندازه‌گيري ارزش منصفانه، آن قيمت را بدون تعدیل مورد استفاده قرار دهد.

## داده‌های ورودی مبتني بر قيمتهاي پیشنهادی خرید و فروش

69. اگر دارایی یا بدهی اندازه‌گيري‌شده به ارزش منصفانه، دارای قیمت پیشنهادی خرید و فروش باشد (براي مثال، داده ورودی از بازار معامله‌گری)، قيمتي که در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش، بهترین معرف از ارزش منصفانه در آن شرایط است، صرف‌نظر از جايگاه آن داده ورودی در طبقه‌بندی سلسله مراتب ارزش منصفانه (یعنی سطح 1، 2 یا 3؛ به بندهای 71 تا 89 مراجعه شود)، باید برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گيرد. استفاده از قیمتهای پیشنهادی خرید برای موقعیت دارایی و قیمتهای پیشنهادی فروش برای موقعیت بدهی جایز است، اما الزامی نیست.

70. این استاندارد، استفاده از قیمت‌گذاری بر مبنای میانگین قیمتهای بازار یا سایر روشهای قیمت‌گذاری را که فعالان بازار به عنوان راهكار عملي برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه در دامنه قیمتهای پیشنهادی خرید و فروش بکار می‌گیرند، منع نمی‌کند.

سلسله مراتب ارزش منصفانه

71. در این استاندارد، برای افزایش ثبات رویه و قابلیت مقایسه در اندازه‌گیری ارزش منصفانه و افشاهای مرتبط با آن، سلسله مراتب ارزش منصفانه تعیین مي‌شود كه به موجب آن، داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشيابي برای استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، در سه سطح طبقه‌بندی مي‌شوند (به بندهای 75 تا 89 مراجعه شود). در سلسله مراتب ارزش منصفانه، بالاترین اولویت مربوط به قيمتهاي اعلام‌شده (تعدیل‌نشده) در بازارهای فعال برای داراییها و بدهیهای همانند (داده‌های ورودی سطح 1) و پایین‌ترین اولویت مربوط به داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده (داده‌های ورودی سطح 3) است.

72. در برخي موارد، داده‌های ورودی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی یا یک بدهی، ممکن است در سطوح مختلف سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شوند. در این موارد، کلیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه، در همان سطحي از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندي مي‌شود كه یک داده ورودی در پایین‌ترین سطحی که نسبت به کلیت اندازه‌گیری بااهمیت است، در آن سطح طبقه‌بندي شده باشد. ارزیابی اهمیت یک داده ورودی خاص نسبت به کلیت اندازه‌گیری، مستلزم قضاوت و در نظر گرفتن عوامل مختص دارایی یا بدهی است. هنگام تعیین سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه‌ که اندازه‌گیری ارزش منصفانه در آن سطح طبقه‌بندي می‌شود، نباید تعدیلاتی برای دستیابی به اندازه‌گیری مبتني بر ارزش منصفانه، مانند مخارج فروش هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه پس از کسر مخارج فروش، لحاظ گردد.

73. قابليت دسترسی به داده‌های ورودی مربوط و ماهیت نسبتاً ذهنی آنها ممكن است بر انتخاب تکنیکهای ارزشيابي مناسب اثر بگذارد (به بند 60 مراجعه شود). با وجود اين، سلسله مراتب ارزش منصفانه، داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشيابي، و نه تکنیکهای ارزشیابی مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، را اولویت‌بندی می‌کند. براي مثال، اندازه‌گیری ارزش منصفانه با استفاده از تکنیک ارزش فعلی، با توجه به اهميت داده‌های ورودی نسبت به کلیت اندازه‌گیری و سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که داده‌های ورودی مزبور در آن سطح طبقه‌بندی شده‌اند، ممکن است در سطح 2 یا سطح 3 طبقه‌بندی شود.

74. اگر یک داده ورودی قابل‌ مشاهده مستلزم تعدیل با استفاده از یک داده ورودی غیرقابل مشاهده باشد و آن تعدیل به میزان قابل ملاحظه‌ای ارزش منصفانه را بالاتر یا پایین‌تر اندازه‌گیری كند، اندازه‌گیری حاصل در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود. براي مثال، اگریک فعال بازار، هنگام برآورد قيمت دارایی، اثر محدودیت فروش دارایی را در نظر گیرد، واحد تجاری برای انعکاس اثر آن محدودیت، قيمت اعلام‌شده را تعدیل می‌کند. اگر قيمت اعلام‌شده، یک داده ورودی سطح 2 و تعدیل مورد نظر، داده ورودی غیرقابل مشاهده‌ای باشد که نسبت به کلیت اندازه‌گیری بااهمیت است، اندازه‌گیری در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندي مي‌شود.

## داده‌های ورودی سطح 1

75. داده‌های ورودی سطح 1، قيمتهاي اعلام‌شده (تعدیل‌نشده) در بازارهای فعال برای داراییها یا بدهیهای همانند است که واحد تجاری می‌تواند در تاریخ اندازه‌گیری به آنها دست یابد.

76. قيمت اعلام‌شده در بازار فعال، قابل اتکاترین شواهد از ارزش منصفانه را فراهم می‌کند و به استثناي مورد مندرج در بند 78، در صورت در دسترس بودن، باید بدون تعدیل براي اندازه‌گیری ارزش منصفانه بکار گرفته شود.

77. داده‌ ورودی سطح 1، برای بسیاری از داراییهای مالی و بدهیهای مالی كه برخی از آنها در چندین بازار فعال (براي مثال، در بورسهاي مختلف) معامله می‌شوند، در دسترس است. بنابراین، در سطح 1، بر تعیین هر دو مورد زیر تأكيد مي‌شود:

الف. بازار اصلی برای دارایی یا بدهی یا، در صورت نبود بازار اصلی، بازار دارای بیشترین مزایا برای دارایی یا بدهی؛ و

ب. اینکه واحد تجاری می‌تواند آن دارایی یا بدهی را در تاریخ اندازه‌گیری به قيمت مزبور در آن بازار معامله كند یا خیر.

78. واحد تجاری نباید داده‌ ورودی سطح 1 را به استثنای شرایط زیر، تعدیل کند:

الف. هنگامی که واحد تجاری تعداد زیادی دارایی یا بدهی (برای مثال اوراق بدهی) مشابه (اما غیرهمانند) در اختیار دارد که به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شوند و براي هر يك از داراییها یا بدهیها، قيمت اعلام‌شده در بازار فعال در دسترس است اما به آسانی قابل دستیابی نیست (یعنی با توجه به تعداد زیاد داراییها یا بدهیهای مشابه که واحد تجاری در اختیار دارد، کسب اطلاعات مرتبط با قیمت‌گذاری برای هر یک از داراییها یا بدهیها بطور اختصاصی در تاریخ اندازه‌گیری دشوار است). در این شرایط، واحد تجاری ممکن است به عنوان يك راهكار عملي، ارزش منصفانه را با استفاده از روش قیمت‌گذاری جایگزین اندازه‌گيري كند که صرفاً بر مبنای قیمتهای اعلام‌شده در بازار نیست (براي مثال، قیمت‌گذاری ماتریسی). با وجود اين، استفاده از روش قیمت‌گذاری جایگزین، موجب اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای می‌شود که در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌گردد.

ب. هنگامی که قيمت اعلام‌شده در یک بازار فعال، بیانگر ارزش منصفانه در تاریخ اندازه‌گیری نیست. این مورد زمانی مصداق دارد که برای مثال، رویدادهای مهمی (مانند معاملات در بازار بدون واسطه، دادوستد در بازار کارگزاری یا اطلاعیه‌ها) پس از بسته شدن بازار و پیش از تاریخ اندازه‌گیری واقع شود. واحد تجاری برای تشخيص این رویدادها که ممکن است بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه اثر بگذارد، باید رويه‌اي را تعیین کند و بطور یکنواخت بکار گیرد. با وجود این، تعدیل قيمت اعلام‌شده بابت اطلاعات جدید، موجب اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای می‌شود که در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌گردد.

پ. هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری با استفاده از قيمت اعلام‌شده برای قلم همانندی که در بازار فعال به عنوان دارایی معامله می‌شود و لازم است آن قيمت بابت عوامل مختص آن قلم یا آن دارایی تعدیل شود (به بند 39 مراجعه شود). اگر الزام به تعدیل قيمت اعلام‌شده برای آن دارایی وجود نداشته باشد، نتیجه اندازه‌گیری، ارزش منصفانه‌ای است که در سطح 1 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود. با وجود این، هرگونه تعدیل قيمت اعلام‌شده دارایی، موجب اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای می‌شود که در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌گردد.

79. اگر واحد تجاری موقعیت یک دارایی یا یک بدهی را در اختیار داشته باشد (شامل موقعیتی متشکل از تعداد زیادی دارایی یا تعداد زیادی بدهی همانند، نظیر مجموعه‌ای از ابزارهای مالی) و آن دارایی یا بدهی در بازار فعال معامله شود، ارزش منصفانه آن دارایی یا بدهی، باید بر اساس قيمت اعلام‌شده هر دارایی و بدهی و مقدار نگهداری‌شده توسط واحد تجاری، در سطح 1 اندازه‌گیری شود. این مورد، حتی در شرایطی مصداق دارد که حجم عادي معاملات روزانه بازار به اندازه‌ای نیست که مقادیر نگهداری‌شده توسط واحد تجاری را جذب کند و قراردادن سفارشهای فروش اين موقعیت در یک معامله واحد، ممکن است بر قيمت اعلام‌شده اثر بگذارد.

## داده‌های ورودی سطح 2

80. داده‌های ورودی سطح 2، داده‌های ورودی غیر از قيمتهاي اعلام‌شده‌ مشمول سطح 1 هستند و برای دارایی یا بدهی مورد نظر، بطور مستقیم یا غیرمستقیم قابل مشاهده می‌باشند.

81. اگر دارایی یا بدهی مورد نظر، دوره زمانی معین (قراردادي) داشته باشد، داده ورودی سطح 2 باید برای بخش عمده‌ای از كل دوره زمانی دارایی یا بدهی، قابل‌ مشاهده باشد. داده‌های ورودی سطح 2 شامل موارد زیر است:

الف. قيمت اعلام‌شده برای داراییها یا بدهیهای مشابه در بازارهای فعال.

ب. قيمت اعلام‌شده برای داراییها یا بدهیهای همانند یا مشابه در بازارهایی که فعال نیستند.

پ. داده‌های ورودی غیر از قيمتهای اعلام‌شده، که برای دارایی یا بدهی مورد نظر، قابل‌ مشاهده است. برای مثال:

1. منحنیهای بازده و‌ نرخهای سود قابل‌ مشاهده در فواصل زمانی مشخص اعلام‌شده؛

2. نوسانهای مورد انتظار؛ و

3. تفاوتهای اعتباری.

**ت.** **داده‌های ورودی تأييدشده بازار.**

82. تعدیلات داده‌های ورودی سطح 2، با توجه به عوامل مختص دارایی یا بدهی متفاوت است. این عوامل شامل موارد زیر است:

الف. وضعیت یا موقعیت مكاني دارایی؛

ب. میزان ارتباط داده‌های ورودی با اقلامی که با دارایی یا بدهی مورد نظر قابل مقایسه هستند (شامل عوامل تشریح‌شده در بند 39)؛ و

پ. حجم یا سطح فعالیت در بازارهایی که داده‌های ورودی در آنها مشاهده می‌شود.

83. اگر برای تعدیلات، از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده بااهمیت استفاده شود، تعدیل داده ورودی سطح 2 که نسبت به کلیت اندازه‌گیری بااهمیت است، می‌تواند موجب اندازه‌گیری ارزش منصفانه‌ای شود که در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌گردد.

84. بند ب35، استفاده از داده‌های ورودی سطح 2 براي برخی داراییها و بدهیها را توصیف می‌کند.

## داده‌های ورودی سطح 3

85. داده‌های ورودی سطح 3، داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده برای دارایی یا بدهی هستند.

86. داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید تا اندازه‌ای مورد استفاده قرار گیرند که داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده مربوط در دسترس نباشند، مانند شرایطی که برای دارایی یا بدهی در تاریخ اندازه‌گیری، فعاليت بازار وجود ندارد یا کم است. با وجود این، هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه، یعنی قيمت خروجی در تاریخ اندازه‌گیری از دیدگاه یک فعال بازار دارنده دارایی یا متعهد بدهی، تغییر نمی‌کند. بنابراین، داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده باید مفروضاتی که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند، شامل مفروضات درباره ریسک، را منعکس کند.

87. مفروضات درباره ریسک، شامل ریسک ذاتی تکنیک ارزشيابي خاص مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه (مانند مدل قیمت‌گذاری) و ریسک ذاتی داده‌های ورودی تکنیک ارزشيابی است. اگر فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی یکی از این ریسکها را در نظر بگیرند، اندازه‌گیری بدون تعدیل بابت ریسک، بیانگر اندازه‌گیری ارزش منصفانه نخواهد بود. براي مثال، ممکن است در صورت وجود عدم اطمینان قابل ملاحظه در اندازه‌گیری، تعدیل بابت ریسک ضروری باشد (مانند هنگامی که در حجم یا سطح فعالیت بازار برای داراییها یا بدهیهای مشابه در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای دارایی یا بدهی مورد نظر، کاهش قابل ملاحظه وجود دارد و طبق بندهای ب37 تا ب47، واحد تجاری تشخيص می‌دهد که قيمت معامله یا قيمت اعلام‌شده بیانگر ارزش منصفانه نیست).

88. واحد تجاری باید داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده را با استفاده از بهترین اطلاعات در دسترس در آن شرایط، كه مي‌تواند شامل داده‌های خود واحد تجاری باشد، ایجاد کند. واحد تجاری براي ایجاد داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده، می‌تواند با داده‌های خود، کار را آغاز نماید؛ اما اگر اطلاعاتي كه بطور معقول در دسترس است نشان دهد که سایر فعالان بازار از داده‌های متفاوتی استفاده می‌کنند یا داده‌های خاصی درباره واحد تجاری وجود دارد که در دسترس سایر فعالان بازار نیست (مانند هم‌افزایی خاص واحد تجاری)، واحد تجاری بايد داده‌هاي خود را تعدیل کند. واحد تجاری برای کسب اطلاعات درباره مفروضات فعالان بازار، نیاز نیست تلاش گسترده‌ای انجام دهد. با وجود این، واحد تجاری باید تمام اطلاعات درباره مفروضات فعالان بازار را که بطور معقول در دسترس است، در نظر بگیرد. داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده که به شیوه تشریح‌شده در بالا ایجاد می‌‌شود، به عنوان مفروضات فعالان بازار تلقی می‌شود و هدف اندازه‌گیری ارزش منصفانه حاصل می‌گردد.

89. بند ب36، استفاده از داده‌های ورودی سطح 3 برای برخی داراییها و بدهیها را توصیف می‌کند.

افشا

90. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که در ارزیابی هر دو مورد زیر، به استفاده‌کنندگان صورتهای مالی کمک کند:

الف. تکنیکهای ارزشيابي و داده‌های ورودی مورد استفاده برای اندازه‌گیری داراییها و بدهیهایی که پس از شناخت اولیه، در صورت وضعیت مالی بطور متناوب یا غیرمتناوب به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شود.

ب. در مورد اندازه‌گیری‌های متناوب ارزش منصفانه با استفاده از داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده بااهمیت (سطح 3)، تأثیر اندازه‌گیری‌ها بر سود یا زیان دوره یا ساير اقلام سود و زیان جامع دوره.

91. واحد تجاری برای دستیابی به اهداف مندرج در بند 90، باید تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. سطح جزئیات لازم برای رعایت الزامات افشا؛

ب. میزان تأکید بر هر یک از الزامات مختلف؛

پ. میزان تجمیع یا تفكيك مورد نظر؛ و

ت. اینکه استفاده‌کنندگان صورتهای مالی، برای ارزیابی اطلاعات کمّی افشاشده، به اطلاعات بیشتر نیاز دارند یا خیر.

اگر موارد افشاشده طبق این استاندارد و سایر استانداردهای حسابداری، برای دستیابی به اهداف مندرج در بند 90 کافی نباشد، واحد تجاری باید اطلاعات بيشتري را که برای دستیابی به آن اهداف ضروری است، افشا کند.

92. واحد تجاری به منظور دستیابی به اهداف مندرج در بند 90، باید حداقل اطلاعات زير را برای هر طبقه از داراییها و بدهیها (برای کسب اطلاعات از نحوه تعيين طبقه‌های مناسب داراییها و بدهیها، به بند 93 مراجعه شود) که پس از شناخت اوليه، در صورت وضعیت مالی به ارزش منصفانه اندازه‌گيري مي‌شود (شامل اندازه‌گیریهای مبتني بر ارزش منصفانه در دامنه کاربرد این استاندارد)، افشا کند:

الف. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، اندازه‌گیری ارزش منصفانه در پایان دوره گزارشگری، و برای اندازه‌گیریهای غیرمتناوب ارزش منصفانه، دلایل اندازه‌گیری. اندازه‌گیری‌های متناوب داراییها یا بدهیها به ارزش منصفانه، به مواردی اطلاق می‌شود که طبق سایر استانداردهای حسابداری، انعکاس آن در صورت وضعیت مالی پایان هر دوره گزارشگری الزامي یا مجاز است. اندازه‌گیری غیرمتناوب داراییها یا بدهیها به ارزش منصفانه، شامل مواردی است که سایر استانداردهای حسابداری، انعکاس به ارزش منصفانه در صورت وضعيت مالي را در شرایط خاصی الزامي یا مجاز می‌کنند.

ب. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، سطح سلسله مراتب ارزش منصفانه (سطح 1، 2 یا 3) که در آن سطح، اندازه‌گيريهای ارزش منصفانه بطور کامل طبقه‌بندی می‌شوند.

پ. برای داراییها و بدهیهايی كه در پایان دوره گزارشگری بطور متناوب به ارزش منصفانه اندازه‌گیری می‌شوند، مبالغ انتقال بین سطح 1 و سطح 2 سلسله مراتب ارزش منصفانه، دلایل انتقال و رويه واحد تجاری برای تعیین زماني كه فرض مي‌شود انتقال بین سطوح واقع شده است (به بند 94 مراجعه شود). انتقال به هر سطح، باید جدا از انتقال از آن سطح، افشا و تشريح گردد.

ت. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه كه در سطح 2 و سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندي شده‌اند، شرحي از تکنیک يا تکنیکهای ارزشيابي و داده‌های ورودی مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه. اگر تکنیک ارزشيابي تغيير كند (براي مثال، تغییر از تکنیک با رويكرد بازار به تکنیک با رويكرد درآمد یا استفاده از تکنیک ارزشيابي دیگر)، واحد تجاری باید این تغییر و دلیل یا دلایل آن را افشا کند. برای اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه که در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی شده‌اند، واحد تجاری باید اطلاعات کمّی درباره داده‌های ورودی بااهمیت غیرقابل‌ مشاهده مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه را ارائه كند. اگر هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه توسط واحد تجاري، داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده کمّی ایجاد نشده باشد (مانند زمانی که واحد تجاری قيمت معاملات گذشته یا اطلاعات قیمت‌گذاری اشخاص ثالث را بدون تعدیل استفاده می‌‌كند)، واحد تجاری ملزم به ایجاد اطلاعات کمّی برای مطابقت با این الزامات افشا نیست. با وجود این، هنگام ارائه این افشا، واحد تجاری نمي‌تواند داده‌های ورودی غیرقابل‌مشاهده کمّی را که برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه بااهمیت و بطور معقول در دسترس واحد تجاری است، نادیده بگیرد.

ث. برای اندازه‌گیریهای متناوب ارزش منصفانه كه در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندي می‌شود، صورت تطبيق مانده‌های ابتدا و پايان دوره، که تغییرات طی دوره قابل انتساب به موارد زیر را جداگانه افشا می‌كند:

1. جمع سودها یا زیانهای شناسایی‌شده طی دوره در صورت سود و زیان، و قلم یا اقلام اصلی مندرج در صورت سود و زیان که سودها یا زیانهای مذکور در آن(ها) شناسایی می‌شود.

2. جمع سودها یا زیانهای شناسایی‌شده طي دوره در صورت سود و زیان جامع، و قلم یا اقلام اصلی مندرج در صورت سود و زیان جامع که در آن(ها)، سودها یا زیانهای مذکور شناسایی می‌شود.

3. خرید، فروش، انتشار و تسویه (هر یک از انواع تغییرات، جداگانه افشا می‌شود).

4. مبالغ انتقال به سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه يا انتقال از آن سطح، دلایل این انتقال و رويه‌ واحد تجاری برای تعیین زماني كه فرض مي‌شود انتقال بین سطوح واقع شده است (به بند 94 مراجعه شود). انتقال به سطح 3 باید جدا از انتقال از سطح 3 افشا و تشریح شود.

ج. برای اندازه‌گیریهای متناوب ارزش منصفانه که در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندی می‌شود، جمع سودها یا زیانهای طی دوره در قسمت (ث)(1) در صورت سود و زیان، كه قابل انتساب به تغییر در سودها یا زیانهای تحقق‌نیافته مربوط به داراییها و بدهیهای نگهداری‌شده در پایان دوره گزارشگری است، و قلم یا اقلام اصلی صورت سود و زیان که سودها یا زیانهای تحقق‌نیافته مزبور در آن(ها) شناسایی می‌شود.

چ. برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه كه در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندي می‌شود، شرحي از فرایندهاي ارزشيابي مورد استفاده واحد تجاری (براي مثال، شامل نحوه تصميم‌گيري واحد تجاری درباره خط‌مشی‌ها و روشهای ارزشيابي آن و نحوه تجزيه و تحليل تغییر در اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه در دوره‌های مختلف).

ح. برای اندازه‌گیریهای متناوب ارزش منصفانه كه در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه طبقه‌بندي می‌شود:

1. برای تمام اين‌ اندازه‌گیریها، شرحی از حساسیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه به تغییر در داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده، مشروط بر اینکه تغییر در آن داده‌های ورودی به میزان قابل ملاحظه‌ای ارزش منصفانه را بالاتر یا پایین‌تر اندازه‌گیری کند. اگر بین این داده‌های ورودی و سایر داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه، روابط درونی وجود داشته باشد، واحد تجاری باید شرحي از آن روابط درونی و نحوه کاهش یا تشدید اثر تغییر در داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه را ارائه کند. به منظور انطباق با الزامات افشا، تشریح حساسیت به تغییر در داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده باید حداقل شامل داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده افشاشده در انطباق با قسمت (ت) باشد.

2. در مورد داراییهای مالی و بدهیهای مالی، اگر تغییر یک یا چند داده ورودی غیرقابل‌ مشاهده به منظور انعکاس مفروضات دیگری که بطور معقول محتمل است، ارزش منصفانه را بطور بااهمیتی تغییر دهد، واحد تجاری باید این موضوع را بيان و اثر آن تغییرات را افشا کند. واحد تجاری باید نحوه محاسبه اثر یک تغییر جهت انعکاس مفروضات دیگری که بطور معقول محتمل است را افشا کند. برای این منظور، اهمیت باید با توجه به سود یا زیان دوره و مجموع داراییها یا مجموع بدهیها یا هنگام شناسایی تغییرات ارزش منصفانه در ساير اقلام سود و زیان جامع، نسبت به کل حقوق مالكانه مورد قضاوت قرار گیرد.

خ. در صورتی که بيشترين و بهترین استفاده از دارایی غیرمالی با استفاده فعلی آن متفاوت باشد، برای اندازه‌گیریهای متناوب و غیرمتناوب ارزش منصفانه، واحد تجاری باید این موضوع و دليل استفاده از دارایی غیرمالی به شیوه‌ای متفاوت از بيشترين و بهترین استفاده را افشا كند.

93. واحد تجاری باید طبقه‌های مناسب داراییها و بدهیها را بر مبنای موارد زیر تعیین کند:

الف. ماهیت، ویژگیها و ريسكهاي دارایی یا بدهی؛ و

ب. سطحي از سلسله مراتب ارزش منصفانه که اندازه‌گیری ارزش منصفانه در آن سطح طبقه‌بندی می‌‌شود.

تعداد طبقه‌های بیشتر ممکن است برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه طبقه‌بندي‌شده در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه ضرورت یابد، زیرا درجه عدم اطمینان و ذهنی بودن اين اندازه‌گیریها بیشتر است. تعیین طبقه‌های مناسب داراییها و بدهیها که در مورد آنها اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه باید افشا شود، مستلزم قضاوت است. یک طبقه از داراییها و بدهیها در مقایسه با اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعیت مالی، اغلب مستلزم تفکیک بیشتر است. با وجود اين، واحد تجاری براي تطبيق با اقلام اصلی ارائه‌شده در صورت وضعیت مالی باید اطلاعات کافی را ارائه كند. چنانچه استاندارد حسابداری دیگری، طبقه‌ای را برای یک دارایی یا یک بدهی مشخص کند، در صورتي كه آن طبقه الزامات اين بند را احراز نماید، واحد تجاری ممکن است برای ارائه الزامات افشاي این استاندارد، از آن طبقه استفاده کند.

94. واحد تجاری باید طبق بند 92(پ) و (ث)(4)، رويه خود برای تعیین زماني كه فرض مي‌شود انتقال بین سطوح سلسله مراتب ارزش منصفانه واقع شده است را افشا کند و بطور یکنواخت بکار گیرد. رويه زمانبندی شناسایی انتقالها، باید برای انتقال به سطوح مختلف و انتقال از سطوح مختلف یکسان باشد. مثالهایی در ارتباط با رويه‌هاي تعیین زمانبندی انتقالها، شامل موارد زير است:

الف. تاریخ رویداد یا تغییر در شرایط که موجب انتقال شده است.

ب. ابتدای دوره گزارشگری.

پ. پايان دوره گزارشگری.

95. اگر واحد تجاری، به منظور استفاده از استثنای مندرج در بند 48، یک رويه حسابداری را انتخاب کند، باید این موضوع را افشا كند.

96. واحد تجاری باید برای هر یک از طبقه‌های داراییها و بدهیها که در صورت وضعیت مالی به ارزش منصفانه اندازه‌گیری نمی‌شود، اما ارزش منصفانه آن افشا می‌گردد، اطلاعات الزامی طبق بند 92(ب)، (ت) و (خ) را افشا کند. با وجود اين، واحد تجاری ملزم به ارائه افشاهاي کمّی الزامی طبق بند 92(ت) در خصوص داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده بااهمیت مورد استفاده در اندازه‌گیریهای ارزش منصفانه طبقه‌بندی‌شده در سطح 3 سلسله مراتب ارزش منصفانه نیست. واحد تجاری برای چنین داراییها و بدهیهایی، سایر افشاهاي الزامی طبق این استاندارد را ارائه می‌کند.

97. درخصوص یک بدهی که به ارزش منصفانه، اندازه‌گیری و همراه با تضمینهای اعتبار جدانشدنی اشخاص ثالث منتشر شده است، ناشر باید وجود تضمین اعتبار و اینکه در اندازه‌گیری ارزش منصفانه بدهی منعکس گردیده است یا خیر را افشا کند.

98. واحد تجاری باید افشاهای کمیّ الزامی طبق این استاندارد را به شکل جدول ارائه کند، مگر اینکه شکل ديگر ارائه مناسب‌تر باشد.

تاریخ اجرا

99 . الزامات‌ اين‌ استاندارد در مورد كليه‌ صورتهاي‌ مالي‌ كه‌ دوره‌ مالي‌ آنها از تاريخ‌ 1/1/1400 و بعد از آن‌ شروع‌ مي‌شود، لازم‌الاجراست‌.

مطابقت با استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

100. با اجراي‌ الزامات‌ اين‌ استاندارد، مفاد استاندارد بین المللی گزارشگری مالی 13 اندازه‌گیری ارزش منصفانه (ویرایش 2018) نيز رعايت‌ مي‌شود.

پيوست الف

اصطلاحات تعریف شده

**این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد حسابداری است.**

بازار فعال بازاری که در آن، معاملات دارایی یا بدهی، به دفعات و حجمی انجام می‌شود که براي ارائه مستمر اطلاعات قیمت‌گذاری كافي است.

رويكرد بهاي تمام شده یک تکنیک ارزشيابي که منعكس‌كننده مبلغی است که در حال حاضر برای جایگزین کردن ظرفیت ارائه خدمت‌ یک دارایی (که اغلب بهاي جایگزینی جاری نامیده می‌شود) مورد نیاز است.

قيمت ورودی قيمتي که در يك عملیات مبادله‌ای، بابت تحصیل یک دارایی، پرداخت یا برای تقبل یک بدهی، دریافت می‌شود.

عملیات مبادله‌ای **عملیاتی که در آن، یک واحد تجاری دارایی را دریافت یا بدهی را تقبل می‌کند و در ازای آن، ارزش تقریباً برابری را به شخص دیگر انتقال می‌دهد.**

قيمت خروجی قيمتي که بابت فروش یک دارایی، دریافت یا برای انتقال یک بدهی، پرداخت می‌شود.

جریانهای نقدی مورد انتظار میانگین موزون‌شده بر اساس احتمالات (یعنی میانگین توزیع) جریانهای نقدی آتی.

ارزش منصفانه قيمتي که بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای نظام‌مند بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.

بيشترين و بهترین استفاده استفاده‌ای از یک دارایی غیرمالی توسط فعالان بازار که ارزش دارایی یا گروه داراییها و بدهیها (برای مثال، یک فعاليت تجاري) كه دارایی در آن قرار دارد را حداکثر می‌كند.

رويكرد درآمد تکنیکهای ارزشيابي که مبالغ آتی (برای مثال، جریانهای نقدی یا درآمدها و هزینه‌ها) را به یک مبلغ جاری واحد (یعنی تنزیل‌شده) تبدیل می‌کند. اندازه‌گیری ارزش منصفانه بر مبنای ارزشی تعیین می‌شود که نشان‌دهنده انتظارات فعلی بازار درباره آن مبالغ آتی است.

داده‌های ورودی مفروضاتی، شامل مفروضات درباره ریسک، که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند، مانند:

الف. ريسك ذاتي تکنیک ارزشيابي خاص مورد استفاده براي اندازه‌گيري ارزش منصفانه (مانندمدل قیمت‌گذاری)؛ و

ب. ریسک ذاتی داده‌های ورودی تکنیک ارزشيابي.

داده‌های ورودی ممکن است قابل‌ مشاهده یا غیرقابل‌ مشاهده باشند.

داده‌های ورودی سطح 1 قيمتهاي اعلام‌شده (تعدیل‌نشده) در بازارهای فعال برای داراییها یا بدهیهای همانند که واحد تجاری می‌تواند در تاریخ اندازه‌گیری به آنها دست یابد.

داده‌های ورودی سطح 2 داده‌های ورودی به غیر از قيمتهاي اعلام‌شده در سطح 1، که برای دارایی یا بدهی بطور مستقیم یا غیرمستقیم، قابل مشاهده هستند.

داده‌های ورودی سطح 3 داده‌های ورودی غیرقابل‌ مشاهده براي دارایی یا بدهی.

رويكرد بازار یک تکنیک ارزشيابي که در آن از قیمتها و سایر اطلاعات مربوط ایجادشده از طریق معاملات بازار درخصوص داراییهای همانند یا قابل مقایسه (یعنی مشابه)، بدهیهای همانند یا قابل مقایسه (یعنی مشابه) یا گروه داراییها و بدهیها، برای مثال یک فعالیت تجاری، استفاده می‌شود.

داده‌های ورودی تأییدشده بازار داده‌های ورودی که اساساً با استفاده از روش همبستگي يا ساير روشها، از داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده بازار استخراج می‌شود یا توسط این داده‌ها تأیید می‌گردد.

فعالان بازار خریداران و فروشندگان دارایی یا بدهی در بازار اصلی(یا بازار دارای بیشترین مزایا) که دارای تمام ويژگيهاي زیر هستند:

الف. آنها از یکدیگر مستقل هستند، یعنی اشخاص وابسته طبق تعريف استاندارد حسابداری 12 نیستند؛ اگرچه، در صورتی که واحد تجاري شواهدي داشته باشد كه معامله با اشخاص وابسته در شرايط بازار انجام شده است، قيمت در معامله با اشخاص وابسته ممکن است به عنوان یک داده‌ ورودی در اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گيرد.

ب. آنها مطلع هستند؛ یعنی با استفاده از تمام اطلاعات در دسترس، شامل اطلاعاتي كه به دست آوردن آن ممكن است نيازمند تلاشی معمول و نظام‌مند باشد، به درک معقولی از دارایی یا بدهی و معامله دست یافته‌اند.

پ. آنها توانایی انجام معامله دارایی یا بدهی را دارند.

ت. آنها مايل به انجام معامله دارایی یا بدهی هستند؛ یعنی براي انجام معامله انگيزه دارند اما مجبور یا وادار به انجام آن نشده‌اند.

بازار دارای بیشترین مزایا بازاری که پس از در نظر گرفتن مخارج معامله و مخارج حمل، مبلغ قابل دریافت بابت فروش دارایی را حداکثر یا مبلغ قابل پرداخت برای انتقال بدهی را حداقل می‌کند.

ریسک عدم ایفای تعهد ريسك اینکه یک واحد تجاري تعهدی را ایفا نکند. ریسک عدم ایفای تعهد شامل ریسک اعتباری خود واحد تجاری است، اما ممکن است محدود به آن نباشد.

داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده داده‌های ورودی که با استفاده از داده‌های بازار، مانند اطلاعات در دسترس عموم درباره رویدادها یا معاملات واقعی، ایجاد می‌شوند و منعکس‌کننده مفروضاتی هستند که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند.

معامله نظام‌مند معامله‌ای که فرض مي‌شود در دوره‌ای پیش از تاریخ اندازه‌گیری، در معرض بازار قرار می‌گیرد تا انجام فعالیتهای بازاريابي مرسوم و معمول برای معامله این‌گونه داراییها یا بدهیها امکانپذیر شود. چنين معامله‌اي، اجباری نیست (مانند انحلال اجباری یا فروش اضطراری).

بازار اصلی بازاری با بیشترین حجم و سطح فعالیت برای دارایی یا بدهی.

صرف ریسک جبران تحمل عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی یک دارایی یا بدهی که فعالان ریسک‌گریز بازار خواستار آن هستند. به صرف ريسك، ”تعدیل ریسک“ نيز اطلاق مي‌شود.

مخارج معامله مخارج فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای دارایی یا بدهی، که بطور مستقیم قابل انتساب به واگذاری دارایی یا انتقال بدهی است و هر دو معيار زیر را احراز مي‌كند:

الف. بطور مستقیم از معامله مزبور ناشی می‌شود و برای انجام معامله ضروری است.

ب. واحد تجاری تنها زماني اين مخارج را تحمل می‌كند که تصمیم به فروش دارایی یا انتقال بدهی گرفته باشد.

مخارج حمل مخارجی که برای حمل دارایی از موقعیت مکانی فعلی به بازار اصلی آن (یا بازار دارای بیشترین مزایا) واقع می‌شود.

واحد حساب سطح تجمیع یا تفکیک دارایی یا بدهی براي مقاصد شناخت طبق یک استاندارد حسابداری.

داده‌های ورودی غیرقابل مشاهده داده‌های ورودی که برای آنها داده‌های بازار در دسترس نيست و با استفاده از بهترین اطلاعات در دسترس درباره مفروضات مورد استفاده فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی ایجاد می‌شوند.

پیوست ب

رهنمود بکارگیری

**این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد حسابداری است. در این پیوست کاربرد بندهای 1 تا 98 تشریح می‌شود و همانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است.**

ب1. قضاوتهاي انجام‌شده در وضعیتهای مختلف ارزشيابي ممکن است متفاوت باشد. در این پیوست قضاوتهايي تشريح مي‌شود که واحد تجاری ممکن است هنگام اندازه‌گيري ارزش منصفانه در وضعیتهای مختلف ارزشيابي اعمال کند.

رويكرد اندازه‌گیری ارزش منصفانه

ب2. هدف از اندازه‌گیری ارزش منصفانه، برآورد قیمتی است که بر اساس آن، معامله‌اي نظام‌مند براي فروش دارایی یا انتقال بدهی بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار انجام مي‌شود. اندازه‌گیری ارزش منصفانه واحد تجاری را ملزم به تعیین تمام موارد زیر می‌کند:

الف. دارایی یا بدهی مشخصی که موضوع اندازه‌گیری است (مطابق با واحد حساب آن).

ب. در مورد یک دارایی غیرمالی، پیش‌فرض ارزشيابي که برای اندازه‌گیری مناسب است (مطابق با بيشترين و بهترین استفاده).

پ. بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) دارایی یا بدهی.

ت. تکنیک (يا تکنیکهای) ارزشيابي مناسب برای اندازه‌گیری، با در نظر گرفتن قابليت دسترسی به داده‌های مورد استفاده برای ایجاد داده‌های ورودی که مفروضات مورد استفاده فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی و سطحی از سلسله مراتب ارزش منصفانه که داده‌های ورودی در آن سطح طبقه‌بندی می‌شوند را منعکس می‌کند.

پیش‌فرض ارزشيابي برای داراییهای غیرمالی (بندهای 31 تا 33)

ب3. تأثير پیش‌فرض ارزشيابي هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی غیرمالی که در ترکیب با سایر داراییها به عنوان یک گروه (پس از نصب یا سایر شیوه‌های آماده‌سازی برای استفاده) یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها (برای مثال، یک فعاليت تجاري) استفاده می‌شود، بستگی به شرایط دارد. براي مثال:

الف. یک دارایی، صرف‌نظر از اینکه بطور مستقل یا در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها مورد استفاده قرار ‌گيرد، ارزش منصفانه آن ممکن است یکسان باشد. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که دارایی مورد نظر، یک فعاليت تجاري باشد که فعالان بازار آن فعالیت را ادامه می‌دهند. در این صورت، معامله مستلزم ارزشيابي کلیت فعاليت تجاري است. استفاده از داراییها به عنوان یک گروه در يك فعاليت تجاري دارای تداوم، موجب هم‌افزایی‌هایی می‌شود که در دسترس فعالان بازار خواهد بود (یعنی هم‌افزاییهای فعالان بازار که به این ترتیب، باید بر ارزش منصفانه دارایی مستقل يا دارایی در تركيب با سایر داراییها یا در تركيب با سایر داراییها و بدهیها اثر بگذارد).

ب. استفاده از یک دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها ممکن است از طریق تعدیل ارزش آن دارایی، در صورت استفاده بطور مستقل، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه لحاظ شود. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد که دارایی مورد نظر یک دستگاه ماشین‌آلات است و اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن با استفاده از قيمت مشاهده‌شده برای ماشین‌آلات مشابه (نصب نشده یا به شیوه‌ای دیگر، آماده‌ استفاده نیست)، پس از تعدیل بابت مخارج حمل و نصب انجام می‌شود، به‌گونه‌ای که اندازه‌گیری ارزش منصفانه، وضعیت و موقعیت مکانی فعلی ماشین‌آلات (نصب‌شده و آماده‌سازی‌‌شده برای استفاده) را منعكس می‌كند.

پ. استفاده از یک دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها ممکن است از طریق مفروضات مورد استفاده فعالان بازار برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن دارایی، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه لحاظ شود. برای مثال، اگر دارایی، کالای در جریان ساخت خاصی است که فعالان بازار آن را به محصول نهايي تبدیل ‌می‌کنند، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن موجودی کالا فرض می‌شود که فعالان بازار، ماشین‌آلات تخصصی لازم برای تبدیل آن کالای در جریان ساخت به محصول نهايي را تحصیل کرده‌اند يا تحصيل مي‌كنند.

ت. استفاده از یک دارایی در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها ممکن است در تکنیک ارزشيابي مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه آن دارایی لحاظ شود. این موضوع ممكن است در شرایطی مصداق داشته باشد که از روش عايدات مازاد چنددوره‌ای برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی نامشهود استفاده ‌شود، زیرا در این تکنیک ارزشیابی، مشارکت هرگونه دارایی مکمل و بدهی مربوط در گروهی که از چنین دارایی نامشهودی استفاده می‌شود، بطور خاص در نظر گرفته می‌شود.

ث. در وضعیتهای محدودتر، هنگامی که واحد تجاری از یک دارایی موجود در گروهی از داراییها استفاده می‌کند، واحد تجاری ممکن است با تخصيص ارزش منصفانه گروه داراییها به هر یک از داراییهای آن گروه، دارايي مزبور را به مبلغی نزدیک به ارزش منصفانه آن اندازه‌گيري كند. این موضوع ممکن است در شرایطی مصداق داشته باشد كه ارزشیابی، دربردارنده املاک باشد و ارزش منصفانه املاك بهسازی‌شده (یعنی گروه دارایی) به داراییهاي تشكيل‌دهنده آن (مانند زمین و مستحدثات) تخصیص ‌یابد.

ارزش منصفانه در شناخت اولیه (بندهای 56 تا 59)

ب4. واحد تجاری هنگام تعیین اینکه ارزش منصفانه در شناخت اولیه با قيمت معامله برابر است یا خیر، باید عوامل مختص به آن معامله و عوامل مختص به آن دارایی یا بدهی را در نظر بگیرد. برای مثال، در صورت وجود هر یک از شرایط زیر، قيمت معامله ممکن است معرف ارزش منصفانه دارایی یا بدهی در شناخت اولیه نباشد:

الف. معامله بین اشخاص وابسته باشد، اگرچه، در صورتی که واحد تجاري شواهدي داشته باشد كه معامله با اشخاص وابسته در شرايط بازار انجام شده است، قيمت در معامله با اشخاص وابسته ممکن است به عنوان یک داده‌ ورودی در اندازه‌گیری ارزش منصفانه مورد استفاده قرار گيرد.

ب. معامله به اجبار انجام شود یا فروشنده مجبور به پذيرش قيمت معامله باشد. اين موضوع ممكن است در شرایطی مصداق داشته باشد كه فروشنده با مشکلات مالی مواجه است.

پ. واحد حساب لحاظ‌شده در تعیین قیمت معامله با واحد حساب دارايي يا بدهي اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه متفاوت باشد. اين موضوع ممكن است در شرایطی مصداق داشته باشد که دارایی یا بدهی اندازه‌گیری‌شده به ارزش منصفانه، تنها یکی از عناصر معامله باشد (براي مثال، در یک ترکیب تجاری) که در این صورت، معامله دربردارنده حقوق و امتیازات اظهارنشده‌ای است که طبق استاندارد حسابداری دیگری، جداگانه اندازه‌گیری می‌شود یا قيمت معامله شامل مخارج معامله است.

ت. بازاری که معامله در آن انجام می‌شود، از بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) متفاوت باشد. اين موضوع ممكن است در شرایطی مصداق داشته باشد که واحد تجاری، معامله‌گری باشد که در بازار خرده‌فروشی با مشتریان معامله مي‌كند، اما بازار اصلی (یا بازار دارای بیشترین مزایا) برای معامله خروجي با سایر معامله‌گران، بازار معامله‌گری باشد که در این صورت ممكن است اين بازارها متفاوت باشند.

تکنیکهای ارزشيابي (بندهای 60 تا 65)

رويكرد بازار

ب5. رويكرد بازار، از قیمتها و سایر اطلاعات مربوط ایجادشده از معاملات بازار براي داراییهای همانند یا قابل مقایسه (یعنی مشابه)، بدهیهای همانند یا قابل مقایسه (یعنی مشابه)، یا گروه داراییها و بدهیها (برای مثال یک فعالیت تجاری) استفاده می‌کند.

ب6. براي مثال، در تکنیکهای ارزشيابي سازگار با رويكرد بازار، اغلب از ضرایب بازار استفاده می‌شود که این ضرایب، از مجموعه‌ای از اقلام قابل مقایسه حاصل می‌گردد. ضرایب ممکن است در دامنه‌هایی از ضرایب متفاوت برای هر قلم قابل مقایسه باشد. انتخاب ضریب مناسب در دامنه‌ای از ضرایب، مستلزم قضاوت با در نظر گرفتن عوامل کیفی و کمّی مختص اندازه‌گیری است.

ب7. قیمت‌گذاری ماتریسی، يكي از تکنیکهای ارزشيابي سازگار با رويكرد بازار است. قیمت‌گذاری ماتریسی، یک تکنیک ریاضی است که در این تکنیک اساساً برای تعیین ارزش برخي انواع ابزارهای مالی مانند ابزارهای بدهی، بدون اتکای محض بر قيمتهاي اعلام‌شده برای اوراق بهادار خاص، بر رابطه اوراق بهادار با سایر اوراق بهادار مبنا که دارای قيمت اعلام‌شده است نیز اتکا می‌شود.

رويكرد بهاي تمام شده

ب8. رويكرد بهاي تمام شده، مبلغي را منعکس‌ می‌کند که در حال حاضر برای جایگزین کردن ظرفیت ارائه خدمت‌ یک دارایی (که اغلب بهاي جایگزینی جاری نامیده می‌شود) مورد نیاز است.

ب9. از دیدگاه فروشنده فعال در بازار، قيمتي که بابت فروش یک دارایی دریافت می‌شود، مبتنی بر بهایی است که خریدار فعال در بازار، برای تحصیل یا ساخت دارایی جایگزین با مطلوبيت مشابه، پس از تعدیل بابت نابابی می‌پردازد. دلیل این موضوع آن است که خریدار فعال در بازار، حاضر به پرداخت مبلغی بيش از مبلغ جایگزین کردن ظرفیت ارائه خدمت آن دارایی نیست. نابابی شامل نابابی فیزیکی، نابابی کارکردی (فناوری) و نابابی اقتصادی (برون‌سازمانی) است و فراتر از استهلاک براي مقاصد گزارشگری مالی (تخصیص بهاي تمام شده تاریخی) یا مقاصد مالیاتی (استفاده از عمر ارائه خدمت‌ معین) است. در بسیاری از موارد، روش بهاي جایگزینی جاری برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه داراییهای مشهودی بکار می‌رود که در ترکیب با سایر داراییها یا در ترکیب با سایر داراییها و بدهیها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

رويكرد درآمد

ب10. در رويكرد درآمد، مبالغ آتی (برای مثال، جریانهای نقدی یا درآمدها و هزینه‌ها) به یک مبلغ جاری واحد (یعنی تنزیل‌شده) تبدیل می‌‌شود. در صورت استفاده از رويكرد درآمد، اندازه‌گیری ارزش منصفانه بر مبنای ارزشی تعیین می‌شود که نشان‌دهنده انتظارات فعلی بازار درباره آن مبالغ آتی است.

ب11. تکنیکهای ارزشيابي این رویکرد، براي مثال، شامل موارد زیر است:

الف. تکنیکهای ارزش فعلی (به بندهای ب12 تا ب30 مراجعه شود)؛

ب. مدلهای قیمت‌گذاری اختیار معامله، نظیر فرمول بلک‌شولزـ مرتن یا مدل دوجمله‌ای (یعنی مدل شبکه)، که در آن از تکنیکهای ارزش فعلی استفاده می‌‌شود و ارزش زمانی و ارزش ذاتی یک اختیار معامله را منعكس مي‌كند؛ و

پ. روش عايدات مازاد چنددوره‌ای که برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه برخي داراییهاي نامشهود مورد استفاده قرار می‌گیرد.

## تکنیکهای ارزش فعلی

ب12. در بندهای ب13 تا ب30، استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه تشریح می‌شود. در این بندها، بر تکنیک تعدیل نرخ تنزیل و تکنیک جریانهای نقدی مورد انتظار (ارزش فعلی مورد انتظار) تأکید می‌شود. در بندهای مورد اشاره، استفاده از یک تکنیک ارزش فعلی خاص تجویز نمی‌شود و استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، به تکنیکهای اشاره‌شده محدود نمی‌گردد. تکنیک ارزش فعلی مورد استفاده برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، به واقعيتها و شرایط مختص دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری (براي مثال، اينكه قيمت داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه، در بازار قابل‌ مشاهده است يا خير) و دسترسی به داده‌های کافی بستگی دارد.

## اجزای اندازه‌گیری ارزش فعلی

ب13. ارزش فعلی (یعنی یکی از تکنیکهای بکارگیری رویکرد درآمد)، ابزاری است که برای مرتبط کردن مبالغ آتی (مانند ارزشها یا جریانهای نقدی) به مبلغ فعلی با استفاده از نرخ تنزیل، بکار می‌رود. در اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک دارایی یا یک بدهی با استفاده از تکنیک ارزش فعلی، تمام عناصر زیر از دیدگاه فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در نظر گرفته می‌شود:

الف. برآورد جریانهای نقدی آتی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری.

ب. انتظارات درباره تغییرات احتمالی مبلغ و زمانبندی جریانهای نقدی كه منعكس‌كننده عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی است.

پ. ارزش زمانی پول، که از طریق نرخ داراییهای پولی بدون ریسکی نشان داده می‌شود که تاریخ سررسید یا دوره آنها با دوره جریانهای نقدی مطابقت دارد و براي دارنده آن، عدم اطمینان در زما‌نبندی و ریسک نكول وجود ندارد (یعنی نرخ بازده بدون ریسک).

ت. قیمت برای تحمل عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی (یعنی صرف ریسک).

ث. سایر عواملی که فعالان بازار در آن شرایط در نظر می‌گیرند.

ج. در مورد بدهی، ریسک عدم ایفای تعهد مربوط به آن بدهی، شامل ریسک اعتباری خود واحد تجاری (یعنی ریسک خود ناشر).

اصول کلی

ب14. تکنیکهای ارزش فعلی، در نحوه بکارگیری عناصر مندرج در بند ب13، متفاوت هستند. با وجود این، تمام اصول کلی زير، در بکارگیری تکنیکهای ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه حاکم است:

الف. جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید مبتنی بر مفروضاتی باشد که فعالان بازار هنگام قیمت‌گذاری دارایی یا بدهی بکار می‌گیرند.

ب. جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید تنها عوامل قابل انتساب به دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری را در نظر بگیرند.

پ. برای اجتناب از احتساب مضاعف یا حذف آثار عوامل ریسک، نرخهای تنزیل باید مفروضاتی را منعکس کند که با مفروضات مرتبط با جریانهای نقدی سازگار است. براي مثال، در صورت استفاده از جریانهای نقدی قراردادی وام، نرخ تنزیلی مناسب است که منعكس‌كننده عدم اطمینان درباره انتظارات مرتبط با نكولهای آتی است (یعنی تکنیک تعدیل نرخ تنزیل). در صورتی که از جریانهای نقدی موردانتظار (یعنی موزون‌شده بر اساس احتمالات) استفاده شود (یعنی تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار)، نبايد از همان نرخ استفاده کرد زیرا مفروضات مرتبط با عدم اطمینان درباره نکولهای آتی، از قبل در جریانهای نقدی مورد انتظار منعکس شده است؛ در مقابل، بايد از نرخ تنزیلی استفاده کرد که با ریسک جریانهای نقدی مورد انتظار متناسب است.

ت. مفروضات مرتبط با جریانهای نقدی و نرخهای تنزیل باید سازگاری درونی داشته باشند. براي مثال، جریانهای نقدی اسمی که شامل اثر تورم است، باید با نرخی تنزیل شود که اثر تورم در آن لحاظ شده است. نرخ بازده اسمی بدون ریسک، شامل اثر تورم است. جریانهای نقدی واقعی، که اثر تورم از آن خارج شده است، باید با نرخی تنزیل شود که اثر تورم را در بر ندارد. به همین ترتیب، جریانهای نقدی پس از مالیات باید با استفاده از نرخ تنزیل پس از مالیات تنزیل شود و جریانهای نقدی پیش از مالیات باید با نرخی تنزیل شود که با آن جریانهای نقدی سازگار است.

ث. نرخهای تنزیل باید با عوامل زیربنایی اقتصادی آن واحد پولی که جریانهای نقدی برحسب آن بیان می‌شود، سازگار باشد.

ریسک و عدم اطمینان

ب15. اندازه‌گیری ارزش منصفانه با استفاده از تکنیکهای ارزش فعلی، در شرایط عدم اطمینان انجام می‌شود زیرا جریانهای نقدی مورد استفاده، به جای آنکه مبالغ واقعی باشند، مبالغ برآوردي هستند. در بسیاری از موارد، هم مبلغ و هم زمانبندی جریانهای نقدی نامطمئن است. حتی مبالغ ثابت قراردادی، مانند پرداختهای مربوط به وام، در صورت وجود ریسک نكول، نامطمئن است.

ب16. فعالان بازار معمولاً خواستار جبران (یعنی صرف ریسک) تحمل عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی دارایی یا بدهی هستند. اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید شامل صرف ریسکی ‌باشد که منعكس‌كننده مبلغ مورد تقاضای فعالان بازار به عنوان جبران عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی است. در غیر این صورت، این اندازه‌گیری، ارزش منصفانه را بطور صادقانه بیان نخواهد كرد. در برخی موارد، تعیین صرف ریسک مناسب ممكن است دشوار باشد. با وجود اين، درجه دشواري، به تنهایی دلیل کافی برای در نظر نگرفتن صرف ریسک نیست.

ب17. تکنیکهای ارزش فعلی، از نظر نحوه تعدیل بابت ریسک و نوع جریانهای نقدی مورد استفاده، با یکدیگر تفاوت دارند. براي مثال:

الف. در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل (به بندهای ب18 تا ب22 مراجعه شود) از نرخ تنزیل تعدیل‌‌شده بابت ریسک و جریانهای نقدی قراردادی، تعهدشده یا محتمل‌ترين جريانهای نقدي استفاده مي‌شود.

ب. در روش اول تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار (به بند ب25 مراجعه شود)، از جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‌شده‌‌‌ بابت ریسک و نرخ بدون ریسک استفاده می‌شود.

پ. در روش دوم تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار (به بند ب26 مراجعه شود)، از جریانهای نقدی مورد انتظار که بابت ریسک تعديل ‌نشده است و نرخ تنزیل تعدیل‌شده‌‌ای که صرف ریسک مورد درخواست فعالان بازار را دربردارد، استفاده مي‌شود. این نرخ، با نرخ مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، تفاوت دارد.

تکنیک تعدیل نرخ تنزیل

ب18. در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، از مجموعه واحدی از جریانهای نقدی که در دامنه‌ای از مبالغ برآوردی احتمالی قرار می‌گیرد، اعم از جریانهای نقدی قراردادی یا تعهدشده (مانند جریانهای نقدی مرتبط با اوراق مشارکت) يا محتمل‌ترين جريانهاي نقدي استفاده می‌شود. در تمام موارد، این جریانهای نقدی مشروط به وقوع رویدادهاي خاصی است (براي مثال، جریانهای نقدی قراردادی یا تعهدشده برای اوراق مشارکت، مشروط به عدم نکول توسط ناشر است). نرخ تنزیل مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، از نرخهای بازده مشاهده‌شده برای داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه‌ که در بازار معامله می‌شوند، استنتاج می‌شود. به همین ترتیب، جریانهای نقدی قراردادی، تعهدشده یا محتمل‌ترين جريانهاي نقدي، با نرخ بازار مشاهده‌شده یا برآوردشده برای چنین جریانهای نقدی مشروطی، تنزیل می‌شوند (یعنی نرخ بازده بازار).

ب19. تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، مستلزم تجزیه و تحلیل داده‌های بازار برای داراییها یا بدهیهای قابل مقایسه است. قابلیت مقایسه، با توجه به ماهیت جریانهای نقدی (برای مثال اینکه جریانهای نقدي، قراردادی یا غیرقراردادی است و احتمال واکنش مشابه آنها در مقابل تغییر شرایط اقتصادی وجود دارد یا خیر)، و همچنین سایر عوامل (مانند وضعیت اعتباری، وثیقه، مدت، شرايط محدودکننده و نقدشوندگی) تعیین می‌شود. به عنوان راهکار جایگزین، چنانچه تنها یک دارایی یا یک بدهی قابل مقایسه، ریسک ذاتی در جریانهای نقدی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری را بطور منصفانه منعكس نكند، ممکن است با استفاده از داده‌های چندین دارایی یا بدهی قابل مقایسه مرتبط با منحنی بازده بدون ریسک، نرخ تنزيل را استنتاج کرد (یعنی استفاده از رویکرد ”استنتاجی“).

ب20. برای تشریح رویکرد استنتاجی، فرض کنید دارایی الف، حق قراردادی نسبت به دریافت 800 واحد پول[[1]](#footnote-2) در یک سال دارد (یعنی عدم اطمینان در زمانبندی وجود ندارد). برای داراییهای قابل مقایسه بازار سازمان‌یافته‌ای وجود دارد و اطلاعات درباره این داراییها، شامل اطلاعات قیمت، در دسترس است. اطلاعات زیر در مورد داراییهای قابل مقایسه در دسترس می‌باشد:

الف. دارایی ب، حق قراردادی نسبت به دریافت 200ر1 واحد پول در یک سال دارد و قیمت بازار آن 083ر1 واحد پول است. بنابراین، نرخ بازده ضمنی سالانه (یعنی نرخ بازده یکساله بازار) 8/10 درصد [1 ـ (083ر1 واحد پول ÷ 200ر1 واحد پول)] می‌باشد.

ب. دارایی پ، حق قراردادی نسبت به دریافت 700 واحد پول در دو سال دارد و قیمت بازار آن 566 واحد پول است. بنابراین، نرخ بازده ضمنی سالانه (یعنی نرخ بازده دوساله بازار) 2/11 درصد [1ـ(5/0^( 566 واحد پول ÷ 700 واحد پول))] می‌باشد.

پ. هر سه دارایی از نظر ریسک (یعنی پراکندگی اعتبار و بازده‌ احتمالی) قابل مقایسه هستند.

ب21. بر مبنای مقایسه زمانبندی مبالغ قراردادی قابل دریافت مربوط به دارایی الف‌ با زمانبندی مربوط به دارایی ب و دارایی پ (یعنی يك سال برای دارایی ب در مقابل دو سال برای دارایی پ)، به نظر می‌رسد دارایی ب قابلیت مقایسه بیشتری با دارایی الف دارد. با استفاده از مبالغ قراردادی قابل دریافت مربوط به دارایی الف (800 واحد پول) و نرخ بازده يكساله بازار دارایی ب (8/10 درصد)، ارزش منصفانه دارایی الف 722 واحد پول (108/1 ÷ 800 واحد پول) است. به عنوان راهكار جایگزین، در صورت نبود اطلاعات بازار در دسترس برای دارایی ب، نرخ بازده يكساله بازار را می‌توان از دارایی پ و با استفاده از رویکرد استنتاجی استخراج کرد. در این مورد، نرخ بازده دوساله بازار مربوط به دارایی پ (2/11 درصد) با استفاده از ساختار زماني منحنی بازده بدون ریسک تعدیل می‌شود تا به نرخ بازده يكساله بازار برسد. برای تعیین یکسان بودن صرف ریسک داراییهای يكساله و دوساله، ممکن است اطلاعات و تجزيه و تحلیل بیشتری مورد نیاز باشد. اگر مشخص شود صرف ریسک داراییهای يكساله و دوساله یکسان نیست، نرخ بازده دوساله بازار در اثر اين موضوع نياز به تعدیل بیشتری خواهد داشت.

ب22. هنگامی که تکنیک تعدیل نرخ تنزیل برای دریافتها یا پرداختهای ثابت بکار گرفته می‌شود، نرخ تنزیل بابت ریسک ذاتی در جریانهای نقدی دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری، تعدیل می‌شود. در برخی کاربردهای تکنیک تعدیل نرخ تنزیل برای جریانهای نقدی که دریافتها یا پرداختهاي ثابت نیستند، تعدیل جریانهای نقدی ممكن است به منظور دستیابی به قابلیت مقایسه با دارایی یا بدهی مشاهده‌شده که نرخ تنزیل از آن استنتاج شده است، ضروری باشد.

تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار

ب23. در تکنیک ارزش‌ فعلی مورد انتظار، به عنوان نقطه شروع، مجموعه‌ای از جریانهای نقدی که بیانگر میانگین موزون‌شده بر اساس احتمالات تمام جریانهای نقدی آتی احتمالی (یعنی جریانهای نقدی مورد انتظار) است، مورد استفاده قرار مي‌گیرد. برآورد حاصل برابر است با ارزش مورد انتظار که از نظر آماری، میانگین موزون مقادیر احتمالی متغیر گسسته تصادفی است كه با احتمالات متناظر با آن مقادیر موزون شده است. از آنجا که تمام جریانهای نقدی احتمالی، موزون‌شده بر اساس احتمالات هستند، جریانهای نقدی مورد انتظار حاصل، مشروط به وقوع هیچ رویداد خاصی نیست (برخلاف جریانهای نقدی مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل).

ب24. فعالان ریسک‌گریز بازار، هنگام اتخاذ تصمیم‌ سرمایه‌گذاری، ریسک اینکه ممکن است جریانهای نقدی واقعی با جريانهاي نقدي مورد انتظار تفاوت داشته باشد را در نظر می‌گیرند. تئوری پرتفوی بین دو نوع ریسک زیر تمایز قائل می‌شود:

الف. ریسک غیرسیستماتیک (تنوع‌پذير) که ریسک مختص یک دارایی یا یک بدهی مشخص است.

ب. ریسک سیستماتیک (تنوع‌ناپذير) که ریسک عمومی است که توسط یک دارایی یا یک بدهی با سایر اقلام موجود در یک پرتفوی متنوع به اشتراک گذاشته می‌شود.

طبق تئوری پرتفوی، در یک بازار تعادلی، فعالان بازار تنها بابت تحمل ریسک سیستماتیک ذاتی در جریانهای نقدی، پاداش دریافت می‌کنند (در بازارهای ناکارا يا غيرتعادلي، سایر اشکال بازده یا پاداش ممکن است در دسترس باشد).

ب25. در روش اول تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، جریانهای نقدی مورد انتظار دارایی، از طریق کسر كردن صرف ریسک نقدی بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) تعدیل می‌شود (یعنی جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‎شده بابت ریسک). این جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‌شده بابت ریسک، بیانگر جریانهای نقدی معادل قطعي است که با نرخ بازده بدون ریسک تنزیل می‌شود. منظور از جریانهای نقدی معادل قطعي، جریانهای نقدی مورد انتظاری (طبق تعریف) است که به‌گونه‌اي بابت ریسک تعدیل شده است که فعال بازار برای مبادله بین جریانهای نقدی قطعي و جریانهای نقدی مورد انتظار بي‌تفاوت می‌شود. برای مثال، اگر فعال بازار بخواهد جریانهای نقدی مورد انتظار معادل 200ر1 واحد پول را با جریانهای نقدی قطعي معادل 000ر1 واحد پول مبادله كند، جریانهای نقدی معادل قطعي آن 200ر1 واحد پول، 000ر1 واحد پول است (یعنی 200 واحد پول، بیانگر صرف ریسک نقدی است). در این حالت، فعال بازار نسبت به نگهداری‌ این دارایی بي‌تفاوت است.

ب26. در مقابل، در روش دوم تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، تعدیل بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) از طریق افزودن صرف ریسک به نرخ بازده بدون ریسک صورت مي‌گيرد. به همین ترتیب، جریانهای نقدی مورد انتظار با نرخی تنزیل می‌شود که با نرخ مورد انتظار مرتبط با جریانهای نقدی موزون‌شده بر اساس احتمالات (یعنی نرخ بازده مورد انتظار) مطابقت دارد. برای برآورد نرخ بازده مورد انتظار، مي‌توان از مدلهای مرتبط با قیمت‌گذاری داراییهای ریسکي، مانند مدل قیمت‌گذاری داراییهای سرمایه‌ای، استفاده کرد. از آنجا که نرخ تنزیل مورد استفاده در تکنیک تعدیل نرخ تنزیل، نرخ بازده مرتبط با جریانهای نقدی مشروط است، احتمالاً این نرخ از نرخ تنزیل مورد استفاده در روش دوم تکنیک ارزش فعلی که نرخ بازده مورد انتظار مرتبط با میانگین موزون‌شده بر اساس احتمالات جریانهای نقدی یا جریانهای نقدی مورد انتظار است، بيشتر مي‌باشد.

ب27. به منظور تشریح روشهای 1 و 2، فرض کنید جریانهای نقدی مورد انتظار یک دارایی در یک سال 780 واحد پول است که بر اساس جریانهای نقدی احتمالی و احتمالات زیر تعیین شده است. نرخ بازده بدون ریسک یکساله برای جریانهای نقدی، 5 درصد و صرف ریسک سیستماتیک برای دارایی با ریسک یکسان، 3 درصد است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| جریانهای نقدی احتمالی | احتمال | جریانهای نقدی موزون‌شده بر اساس احتمالات |
| 500 واحد پول | 15% | 75 واحد پول |
| 800 واحد پول | 60% | 480 واحد پول |
| 900 واحد پول | 25% | 225 واحد پول |
| جریانهای نقدی مورد انتظار |  | 780 واحد پول |

ب28. در این مثال تشریحی ساده، جریانهای نقدی مورد انتظار (780 واحد پول)، میانگین موزون‌شده بر اساس احتمالات را برای سه نتيجه محتمل نشان مي‌دهد. در شرایط واقع‌بینانه‌تر، نتايج محتمل بسیاری می‌تواند وجود داشته باشد. اما به منظور بکارگیری تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار، لزومی ندارد که همواره توزیع تمام جریانهای نقدی محتمل با استفاده از مدلها و تکنیکهای پیچیده به حساب گرفته شود؛ بلكه می‌توان تعداد محدودی از سناريوها و احتمالهاي مجزا را که دربرگیرنده جریانهای نقدی محتمل است، ایجاد کرد. براي مثال، واحد تجاری ممکن است از جریانهای نقدی تحقق‌یافته در برخی دوره‌های گذشته مرتبط، استفاده کند و آن را بابت تغییرات بعدي در شرایط (برای مثال، تغییر در عوامل برون‌سازمانی، شامل شرایط اقتصادی يا بازار، روندهاي صنعت و رقابت و نيز تغییرات در عوامل درون‌سازمانی كه واحد تجاری را بطور خاص‌تر تحت تأثیر قرار می‌دهد) و با در نظر گرفتن مفروضات فعالان بازار تعدیل نماید.

ب29. به لحاظ نظری، ارزش فعلی (یعنی ارزش منصفانه) جریانهای نقدی دارایی، صرف‌نظر از اینکه روش اول یا روش دوم مورد استفاده قرار گرفته باشد، یکسان است، زیرا:

الف. با استفاده از روش اول، جریانهای نقدی مورد انتظار، بابت ریسک سیستماتیک (یعنی ریسک بازار) تعدیل می‌شود. در صورت نبود داده‌های بازار که بطور مستقیم میزان تعدیل ریسک را نشان دهد، چنین تعدیلی را مي‌توان از مدل قیمت‌گذاری داراییها که از مفهوم معادلهای قطعي استفاده می‌کند، به دست آورد. برای مثال، تعدیل ریسک (یعنی صرف ریسک نقدی معادل 22 واحد پول) را می‌توان با استفاده از صرف ریسک سیستماتیک 3 درصد ([(08/1 ÷ 05/1) × 780 واحد پول] ـ 780 واحد پول) تعيين کرد كه منجر به جریانهای نقدی مورد انتظار تعدیل‌شده بابت ریسک به میزان 758 واحد پول (22 واحد پول – 780 واحد پول) می‌شود. 758 واحد پول، معادل قطعي 780 واحد پول است كه با نرخ بازده بدون ریسک (5 درصد) تنزیل می‌شود. ارزش فعلی (ارزش منصفانه) دارایی، 722 واحد پول (05/1÷ 758 واحد پول) است.

ب. با استفاده از روش دوم، جریانهای نقدی مورد انتظار، بابت ریسک سیستماتیک (یا ریسک بازار) تعدیل نمی‌شود. بلکه تعدیل بابت آن ریسک در نرخ تنزیل منظور می‌گردد. بنابراین، جریانهای نقدی مورد انتظار، با نرخ بازده مورد انتظار 8 درصد (یعنی 5 درصد نرخ بازده بدون ریسک به علاوه 3 درصد صرف ریسک سیستماتیک) تنزیل می‌شود. ارزش فعلی (ارزش منصفانه) دارایی 722 واحد پول است (08/1÷ 780 واحد پول).

ب30. هنگام استفاده از تکنیک ارزش فعلی مورد انتظار برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، هر یک از روشهای اول و دوم را می‌توان بکار گرفت. انتخاب روش اول یا روش دوم، به واقعيتها و شرایط مختص دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری، میزان در دسترس بودن داده‌های كافي و قضاوتهاي انجام‌شده بستگي دارد.

بکارگیری تکنیکهای ارزش فعلی براي بدهیها و ابزارهای مالکانه خود واحد تجاری، که توسط اشخاص ديگر به عنوان دارایی نگهداری نمي‌شود (بندهای 40 و 41)

ب31. هنگام استفاده از یک تکنیک ارزش فعلی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک بدهی که توسط شخص دیگری به عنوان دارایی نگهداری نمي‌شود (براي مثال، بدهی مربوط به برچیدن دارایی)، واحد تجاری باید در کنار سایر عوامل، جریانهای نقدی خروجی آتی مورد انتظار فعالان بازار برای ایفای آن تعهد را برآورد ‌كند. این‌ جریانهای نقدي خروجی آتی باید انتظارات فعالان بازار از مخارج ایفای تعهد و مابه‌ازايي كه یک فعال بازار بابت ايفاي اين تعهد مطالبه مي‌‌كند را منعكس نماید. چنين مابه‌ازايي شامل بازدهی است که یک فعال بازار بابت موارد زير مطالبه می‌کند:

الف. بر عهده گرفتن انجام فعالیت (یعنی ارزش ایفای تعهد؛ برای مثال، با استفاده از منابعی که می‌توانست در فعالیتهای دیگر مورد استفاده قرار گيرد)؛ و

ب. تقبل ریسک مربوط به تعهد (یعنی صرف ریسکی که ریسک متفاوت بودن جریانهای نقدي خروجی واقعی و جریانهای نقدي خروجی مورد انتظار را منعكس مي‌كند؛ به بند ب33 مراجعه شود).

ب32. براي مثال، بدهی غیرمالی دارای نرخ بازده قراردادی نیست و برای آن بدهی، بازده بازار قابل‌ مشاهده‌ وجود ندارد. در برخی موارد، اجزای بازدهی که فعالان بازار مطالبه می‌کنند، قابل تفکیک از یکديگر نیست (برای مثال، هنگام استفاده از قیمتی که پیمانکار شخص ثالث بر مبنای حق‌الزحمه ثابت مطالبه می‌کند). در ساير موارد، برآورد جداگانه آن اجزا توسط واحد تجاری ضرورت می‌یابد (برای مثال، هنگام استفاده از قیمتی که پیمانکار شخص ثالث بر مبنای بهای تمام شده به اضافه چند درصد، مطالبه می‌کند؛ زیرا در اين حالت، پیمانکار ریسک تغییرات آتی در مخارج را متحمل نمی‌شود).

ب33. واحد تجاری می‌تواند به یکی از روشهای زیر، صرف ریسک را در اندازه‌گیری ارزش منصفانه یک بدهی یا ابزار مالکانه خود واحد تجاری که توسط شخص ديگری به عنوان دارایی نگهداری نمي‌شود، منظور کند:

الف. از طریق تعدیل جریانهای نقدی (یعنی افزایش در مبلغ جریانهای نقدی خروجی)؛ یا

ب . از طریق تعدیل نرخ مورد استفاده برای تنزیل جریانهای نقدی آتی به ارزش فعلی آنها (یعنی کاهش در نرخ تنزیل).

واحد تجاری باید اطمینان یابد که تعدیلات بابت ریسک، مضاعف به حساب گرفته نمی‌شود یا حذف نمی‌گردد. برای مثال، اگر جریانهای نقدی برآوردی برای در نظر گرفتن مابه‌ازای تقبل ریسک مرتبط با تعهد افزایش ‌یابد، نرخ تنزیل نباید برای انعکاس آن ریسک تعدیل شود.

داده‌های ورودی تکنیکهای ارزشيابي (بندهای 66 تا 70)

ب34. نمونه‌ بازارهایی که داده‌های ورودی آنها برای برخی داراییها و بدهیها (مانند ابزارهای مالی) قابل‌ مشاهده است، شامل موارد زیر است:

الف. بورس. در بورس، قیمتهای پایاني هم به آسانی در دسترس است و هم عموماً بیانگر ارزش منصفانه می‌باشد. بورس اوراق بهادار تهران، مثالی در این مورد است.

ب. بازارهای معامله‌گری. در بازار معامله‌گری، معامله‌گرها آماده انجام معامله هستند (خرید یا فروش به حساب خود). بنابراین، نقدشوندگی را با استفاده از سرمایه خود، برای نگهداری مجموعه اقلامی که برای آنها بازارسازی می‌کنند، فراهم می‌نمایند. معمولاً قیمتهای پيشنهادي خرید و فروش (که به ترتیب، بیانگر قيمتي است که معامله‌‌گر، مایل به خرید به آن قيمت است و قیمتی که معامله‌گر، مایل به فروش به آن قیمت است) نسبت به قیمتهاي پاياني با سهولت بيشتري در دسترس است. بازارهای معامله‌گری در مورد برخی از سایر داراییها و بدهیها، شامل بعضی از ابزارهای مالی، کالاها و داراییهای فیزیکی (مانند تجهیزات دست دوم) نیز وجود دارد.

پ. بازارهای کارگزاری. در بازار کارگزاری، کارگزاران تلاش می‌کنند تا بين خریداران و فروشندگان ارتباط برقرار كنند، اما آماده انجام معامله به حساب خود نیستند. به عبارت دیگر، کارگزاران از سرمایه شخصی خود برای نگهداری اقلامی که برای آن بازارسازی می‌کنند، استفاده نمی‌کنند. کارگزار از قیمتهای پيشنهادي خرید و فروش طرفهای معامله مطلع است، اما معمولاً طرفهای معامله از قیمتهای مورد نظر یکدیگر بی‌اطلاع هستند. در این بازارها، قیمت معاملات انجام‌شده، برخی مواقع در دسترس است. بازارهای کارگزاری، شامل شبکه‌های ارتباط الکترونیکی که در آن سفارشهای خرید و فروش با یکدیگر تطبیق داده می‌شود و بازارهای املاک تجاری و مسکونی است.

ت. بازارهای بدون واسطه. در بازار بدون واسطه، معاملات اوليه و فروشهای مجدد، به صورت مستقل و بدون واسطه مورد مذاکره قرار می‌گیرد. اطلاعات اندکی درباره اين معاملات ممکن است در دسترس عموم باشد.

سلسله مراتب ارزش منصفانه (بندهای 71 تا 89)

داده‌های ورودی سطح 2 (بندهای 80 تا 84)

ب35. نمونه‌‌هایی از داده‌های ورودی سطح 2 براي برخی داراییها و بدهیها شامل موارد زیر است:

الف. سواپ نرخ سود با دریافت ثابت و پرداخت متغیر بر مبناي نرخ سواپ مبتنی بر نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن (لایبور). نرخ سواپ **لایبور،** در صورتي یک داده ورودی سطح 2 محسوب مي‌شود كه در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، برای بخش عمده‌ای از کل دوره‌ سواپ قابل‌ مشاهده باشد.

ب. سواپ نرخ سود با دریافت ثابت و پرداخت متغیر بر مبناي منحنی بازده تعیین‌شده بر حسب ارز. نرخ سواپ مبتني بر منحنی بازده تعیین‌شده بر حسب ارز، در صورتي یک داده ورودی سطح 2 محسوب مي‌شود که در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، برای بخش عمده‌ای از کل دوره‌ سواپ قابل‌ مشاهده باشد. اين مورد در صورتی مصداق دارد که برای مثال، دوره سواپ 10 سال باشد و نرخ سواپ در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ، برای 9 سال قابل‌ مشاهده باشد، مشروط بر اينکه هرگونه استنباط معقول از منحنی بازده برای سال دهم، درکلیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه سواپ، بااهميت نباشد.

پ. سواپ نرخ سود با دریافت ثابت و پرداخت متغیر بر مبناي یک نرخ پایه خاص بانکی. نرخ پایه بانکی، که با استفاده از استنباط استنتاج می‌شود، در صورتي یک داده ورودی سطح 2 محسوب می‌گردد كه ارزشهای استنباط‌شده، به وسیله داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده بازار، برای مثال، با استفاده از همبستگی با نرخ سودی که در بخش عمده‌ای از کل دوره سواپ قابل مشاهده است، تأييد شود.

ت. اختیار معامله سه ساله سهام قابل معامله در بورس. در صورت وجود هر دو شرط زیر، نوسان مورد انتظار سهامی که از طریق استنباط تا سال سوم استنتاج می‌شود، یک داده ورودی سطح 2 است:

1. قیمت اختیار معامله یکساله و دوساله سهام، قابل‌ مشاهده باشد.

2. نوسان مورد انتظار استنباط شده اختیار معامله سه ساله، از طریق داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده بازار برای بخش عمده‌ای از کل دوره اختیار معامله تأييد شود.

در این حالت، نوسان مورد انتظار از طریق استنباط از نوسانهای مورد انتظار اختیار معامله‌ يكساله و دوساله سهام، تعیین و به وسیله نوسان مورد انتظار اختیار معامله سه‌ساله سهام واحدهای تجاری قابل مقایسه تأييد مي‌شود، مشروط بر اينكه با نوسانهای مورد انتظار يك ساله و دوساله همبستگی داشته باشد.

ث. توافق حق امتياز. در توافق‌ حق امتياز که در ترکیب تجاری تحصیل شده است و اخیراً در مورد آن از جانب واحد تجاری تحصیل‌شده (طرف توافق‌ حق امتياز) با یک شخص غیروابسته مذاکره‌ شده است، نرخ حق امتیاز در قرارداد با شخص غیروابسته در شروع توافق‌ یک داده ورودی سطح 2 است.

ج. موجودی کالای فروشگاه خرده‌فروشی. در مورد موجودی کالای تحصيل‌شده در ترکیب تجاری، داده‌ ورودی سطح 2 مي‌تواند قيمت براي مشتریان در بازار خرده‌فروشی یا قيمت براي خرده‌فروشان در بازار عمده‌فروشی باشد كه بابت تفاوت در وضعیت و موقعیت مکانی قلم موجودی و اقلام موجودی قابل مقایسه (یعنی مشابه)، تعدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که اندازه‌گیری ارزش منصفانه، منعكس‌كننده قيمت قابل دریافت در معامله فروش موجودی به خرده‌فروش دیگری است که اقدامات لازم برای فروش را انجام مي‌دهد. از نظر مفهومی، صرف‌نظر از اينكه تعدیلات در قیمت خرده‌فروشی (رو به پایین) يا در قیمت عمده‌فروشي (رو به بالا) انجام گيرد، اندازه‌گیری ارزش منصفانه یکسان خواهد بود. معمولاً برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه باید از قيمتي استفاده شود که مستلزم كمترين میزان تعدیلات قضاوتی است.

چ. ساختمان نگهداری‌شده و مورد استفاده. یک داده ورودی سطح 2 مي‌تواند قيمت هر متر مربع ساختمان (ضریب ارزشیابی) باشد که از داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده بازار استنتاج شده است، مانند ضرایب استنتاج‌شده از قيمتهای معاملات مشاهده‌شده از جمله ساختمانهای قابل مقایسه (یعنی مشابه) در موقعیتهای مكاني مشابه.

ح. واحد مولد نقد. یک داده ورودی سطح 2 مي‌تواند ضريب ارزشيابي (مانند ضريب سود یا درآمد عملیاتی يا یک معيار عملكرد مشابه) باشد که از داده‌های ورودی قابل مشاهده بازار استنتاج شده است، مانند ضرايب استنتاج‌شده از قيمت معاملات مشاهده شده از جمله فعاليتهاي تجاري قابل مقايسه (یعنی مشابه)، با در نظر گرفتن عوامل عملياتي، عوامل بازار، عوامل مالي و عوامل غيرمالي.

داده‌های ورودی سطح 3 (بندهای 85 تا 89)

ب36. نمونه‌هایی از‌ داده‌های ورودی سطح 3 براي برخی داراییها و بدهیها شامل موارد زیر است:

الف. سواپ ارزی بلندمدت. یک داده‌ ورودی سطح 3 مي‌تواند نرخ سود برحسب ارز خاصی باشد که قابل‌ مشاهده نیست و از طریق داده‌های قابل‌ مشاهده بازار در فواصل زمانی معمول اعلام نرخ یا به طریق ديگر، برای بخش عمده‌ای از کل دوره سواپ ارزی، قابل تأیید نيست. نرخ سود در سواپ ارزی، نرخي است كه بر اساس منحنیهای بازده کشورهای مربوط محاسبه می‌شود.

ب. اختیار معامله سه‌ساله سهام قابل معامله در بورس. یک داده‌ ورودی سطح 3 مي‌تواند نوسانهای تاریخی، یعنی نوسانهای سهام ناشی از قیمتهای تاریخی سهام، باشد. حتی اگر نوسانهای تاریخی تنها اطلاعات در دسترس درباره قیمت اختیار معامله باشد، بطور معمول بیانگر انتظارات فعالان فعلي بازار از نوسانهای آتی نیست.

پ. سواپ نرخ سود. یک داده ورودی سطح 3 مي‌تواند تعدیل میانگین قیمت توافقی (غیرالزام‌آور) بازار مربوط به سواپ با استفاده از داده‌هایی باشد که بطور مستقیم قابل‌ مشاهده نیست و به طریقی دیگر، با داده‌های ورودی قابل‌ مشاهده بازار، قابل تأیید نمی‌باشد.

ت. بدهی مربوط به برچیدن دارایی در ترکیب تجاری. یک داده‌ ورودی سطح 3 مي‌تواند برآورد فعلي جریانهای نقدی خروجی آتی قابل پرداخت برای ایفای تعهد (شامل انتظارات فعالان بازار درباره مخارج ایفای تعهد و پاداشی که فعال بازار در ازای قبول تعهد برچیدن دارایی مطالبه می‌کند) با استفاده از داده‌های خود واحد تجاری باشد، مشروط بر اینکه اطلاعاتی که نشان ‌دهد فعالان بازار از مفروضات متفاوت استفاده می‌کنند، بطور معقول در دسترس نباشد. اين داده ورودی سطح 3 مي‌تواند به همراه ساير داده‌های ورودی، مانند نرخ بازده بدون ريسك جاري يا نرخ بدون ريسك تعديل شده بر حسب اعتبار، در تکنیک ارزش فعلي مورد استفاده قرار گیرد، مشروط بر اينكه اثر وضعيت اعتباري واحد تجاري بر ارزش منصفانه بدهي، به جای انعکاس در برآورد جریانهای نقدی خروجی آتی، در نرخ تنزيل منعكس شده باشد.

ث. واحد مولد نقد. یک داده ورودی سطح 3 مي‌تواند برآورد پيش‌بينيهای مالي انجام‌شده (برای مثال، جريانهاي نقدي يا سود یا زيان دوره) با استفاده از داده‌های خود واحد تجاري باشد؛ مشروط بر اینکه اطلاعاتی که نشان ‌دهد فعالان بازار از مفروضات متفاوت استفاده می‌کنند، بطور معقول در دسترس نباشد.

اندازه‌گیری ارزش منصفانه هنگامی که حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی، كاهش قابل ملاحظه داشته است

ب37. هنگامی که در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها یا بدهیهای مشابه)، کاهش قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد، ارزش منصفانه آن دارایی یا بدهی ممکن است تحت تأثیر قرار ‌گیرد. واحد تجاری برای تعیین اینکه بر مبنای شواهد موجود، کاهش قابل ملاحظه‌ای در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی وجود داشته است يا خير، باید اهمیت و مربوط بودن عواملي مانند موارد زیر را ارزیابی کند:

الف. اخیراً معاملات اندکی انجام شده است.

ب . قيمتهاي اعلام‌شده با استفاده از اطلاعات جاري تعیین نشده است.

پ . قيمتهاي اعلام‌شده، طی زمان یا در میان بازارسازان (برای مثال، برخی بازارهای کارگزاری) نوسان قابل ملاحظه‌ای داشته است.

ت . شاخصهایی که در گذشته، همبستگی بالایی با ارزشهای منصفانه دارایی یا بدهی داشته‌اند، به وضوح با شاخصهاي اخير ارزش منصفانه آن دارایی یا بدهی همبستگی ندارند.

ث . در صرف ریسک مورد انتظار نقدشوندگی، بازده‌ها یا شاخصهای عملکرد (مانند ميزان قصور در پرداخت بدهی یا شدت زیان) مربوط به قیمتهای معاملات مشاهده شده یا قیمتهای اعلام‌شده در مقایسه با برآورد واحد تجاری از جریانهای نقدی مورد انتظار، با در نظر گرفتن تمام داده‌های در دسترس بازار درباره ریسک اعتباری و ریسک عدم ایفای تعهد برای دارایی یا بدهی، افزایش قابل ملاحظه وجود داشته است.

ج . تفاوت زيادي بين قیمتهای پيشنهادي خرید و فروش یا افزایش قابل ملاحظه‌ای در تفاوت بین قیمتهای پيشنهادي خرید و فروش وجود داشته است.

چ . کاهش قابل ملاحظه‌ای در فعالیت یک بازار در ارتباط با انتشارهاي جدید (یعنی بازار اوليه) برای دارایی یا بدهی یا داراییها یا بدهیهای مشابه، وجود داشته یا اساساً چنین بازاری وجود نداشته است.

ح . اطلاعات اندکی در دسترس عموم است (برای مثال، در مورد معاملاتی که در بازار بدون واسطه انجام می‌شود).

ب38. اگر واحد تجاری به این نتیجه برسد که در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها و بدهیهای مشابه)، کاهش قابل ملاحظه‌ وجود دارد، تجزيه و تحلیل بیشتری در خصوص قیمتهای معاملات یا قيمتهاي اعلام‌شده ضرورت می‌یابد. کاهش در حجم یا سطح فعالیت، به خودی خود ممکن است دلالت بر این نداشته باشد که قیمت معامله یا قيمت اعلام شده، بیانگر ارزش منصفانه نیست یا معامله در آن بازار، نظام‌مند نیست. با وجود این، اگر واحد تجاری به این نتیجه برسد که قیمت معامله یا قيمت اعلام‌شده، بیانگر ارزش منصفانه نیست (برای مثال، ممکن است معاملاتي وجود داشته باشند كه نظام‌مند نیستند)، در صورت استفاده از آن قیمتها به عنوان مبنای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، تعدیل قیمتهای معاملات و قیمتهای اعلام‌شده ضرورت می‌یابد و تعدیل مزبور ممکن است در کلیت اندازه‌گیری ارزش منصفانه قابل ملاحظه باشد. همچنین، تعدیلات ممکن است در شرایط دیگر ضرورت یابد (برای مثال، هنگامی که قيمت یک دارایی مشابه مستلزم تعدیل قابل ملاحظه باشد تا با دارایی اندازه‌گیری‌شده، قابل مقایسه شود یا هنگامی که قيمت قدیمی باشد).

ب39. این استاندارد روشي را برای انجام تعدیلات قابل ملاحظه‌ در قیمتهای معاملات یا قيمتهاي اعلام‌شده تجویز نمی‌کند. برای تشریح استفاده از تکنیکهای ارزشیابی هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه به بندهاي 60 تا 65 و ب5 تا ب11 مراجعه شود. واحد تجاری باید صرف‌نظر از تکنیک ارزشيابي مورد استفاده، تعدیلات مناسب ریسک، از جمله صرف ریسکی که منعکس‌کننده مبلغ مورد تقاضای فعالان بازار به عنوان جبران عدم اطمینان ذاتی در جریانهای نقدی یک دارایی یا یک بدهی است را در نظر بگیرد. (به بند ب17 مراجعه شود). در غیر این صورت، اين اندازه‌گیری، ارزش منصفانه را بطور صادقانه بیان نخواهد کرد. در برخي موارد، تعیین تعدیل مناسب ریسک ممکن است دشوار باشد. با وجود این، میزان دشواری به تنهایی برای در نظر نگرفتن تعدیل ریسک كافي نیست. تعدیل ریسک باید منعکس‌کننده معامله نظام‌مند بین فعالان بازار در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار باشد.

ب40. اگر در حجم یا سطح فعالیت یک دارایی یا یک بدهی کاهش قابل ملاحظه‌ وجود داشته باشد، تغییر در تکنیک ارزشيابي یا استفاده از چندین تکنیک ارزشيابي ممکن است مناسب باشد (برای مثال، استفاده از رويكرد بازار و تکنیک ارزش فعلی). هنگام تعیین وزن شاخصهای ارزش منصفانه تعیین‌شده در نتيجه استفاده از چندین تکنیک ارزشيابي، واحد تجاری باید معقول بودن دامنه اندازه‌گیریهاي ارزش منصفانه را در نظر بگیرد. هدف، تعیین نقطه‌ای در اين دامنه است که در شرایط جاری بازار، بهترين معرف از ارزش منصفانه باشد. گستردگی دامنه اندازه‌گیریهاي ارزش منصفانه ممکن است بیانگر آن باشد که تجزيه و تحلیل بیشتری مورد نیاز است.

ب41. حتی هنگامی كه در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی کاهش قابل ملاحظه‌ وجود داشته باشد، هدف از اندازه‌گیری ارزش منصفانه تغییر نمی‌کند. ارزش منصفانه قيمتي است که بابت فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معامله‌ای نظام‌مند (يعني شرايطی غیر از انحلال اجباری یا فروش اضطراری) بين فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری در شرايط جاری بازار قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود.

ب42. در صورت وجود کاهش قابل ملاحظه‌ در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی، برآورد قيمتي که فعالان بازار تمايل به انجام معامله به آن قيمت در تاریخ اندازه‌گیری در شرایط جاری بازار دارند، به واقعيتها و شرایط در تاریخ اندازه‌گیری بستگی دارد و مستلزم قضاوت است. قصد واحد تجاری برای نگهداری دارایی یا تسويه یا ایفای بدهی به طریقی دیگر، در اندازه‌گیری ارزش منصفانه مربوط نیست، زیرا ارزش منصفانه، یک اندازه‌گیری مبتني بر بازار است و اندازه‌گیری مختص واحد تجاری نیست.

## تشخیص معاملاتی که نظام‌مند نیستند

ب43. اگر در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی در مقایسه با فعالیت عادی بازار برای آن دارایی یا بدهی (یا داراییها و بدهیهای مشابه) کاهش قابل ملاحظه‌ وجود داشته باشد، تعیین اینکه معامله نظام‌مند است یا خیر، دشوارتر است. در چنین شرایطی، رسیدن به این نتیجه که تمام معاملات در آن بازار، نظام‌مند نیستند (یعنی انحلال اجباری یا فروش اضطراری)، مناسب نیست. شرایطی که ممکن است نشان‌دهنده نظام‌مند نبودن معاملات باشد، شامل موارد زیر است:

الف. در دوره‌ای پیش از تاریخ اندازه‌گیری، معامله به میزان کافی در معرض بازار قرار نگرفته باشد تا انجام فعالیتهای بازاريابي مرسوم و معمول برای معامله این‌گونه داراییها یا بدهیها امکانپذیر شود.

ب. دوره مرسوم و معمول برای بازاریابی وجود داشته باشد، اما فروشنده، آن دارایی یا بدهی را صرفاً به یک فعال بازار عرضه کرده باشد.

پ. فروشنده ورشكست شده يا در آستانه ورشکستگی یا در حال انحلال باشد (یعنی فروش اضطراری).

ت. فروشنده طبق مقررات یا الزامات قانونی ملزم به فروش باشد (یعنی فروش اجباری).

ث. قيمت معامله در مقایسه با قيمت سایر معاملات اخیر برای دارایی یا بدهی همانند یا مشابه، تفاوت قابل ملاحظه‌ داشته باشد.

واحد تجاری باید شرایط را ارزیابی کند تا بر اساس وزن شواهد موجود، تعیین نماید که معامله، نظام‌مند است یا خیر.

ب44. واحد تجاری، هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه یا برآورد صرف ریسک بازار، باید تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. اگر شواهد نشان دهد که یک معامله، نظام‌مند نیست، واحد تجاری حتی در صورت در نظر گرفتن قیمت معامله، باید وزن اندکی برای آن قيمت معامله (در مقایسه با سایر شاخصهای ارزش منصفانه) قائل شود.

ب . اگر شواهد نشان دهد که یک معامله، نظام‌مند است، واحد تجاری باید قيمت آن معامله را در نظر بگیرد. وزن اختصاص‌یافته به آن قیمت معامله در مقایسه با سایر شاخصهای ارزش منصفانه، به واقعيتها و شرایطی نظیر موارد زير بستگی دارد:

1. حجم معامله.

2. قابلیت مقایسه معامله با دارایی یا بدهی مورد اندازه‌گیری.

3. نزدیکی معامله به تاریخ اندازه‌گیری.

پ. اگر واحد تجاری اطلاعات کافی در اختیار نداشته باشد تا به این نتیجه برسد که معامله، نظام‌مند است یا خیر، باید قيمت معامله را در نظر بگیرد. با وجود این، قيمت معامله ممکن است بیانگر ارزش منصفانه نباشد (یعنی آن قيمت معامله لزوماً تنها مبنا یا مبنای اصلی اندازه‌گیری ارزش منصفانه یا برآورد صرفهای ریسک بازار نیست). هنگامی که واحد تجاری اطلاعات کافی در اختیار نداشته باشد تا به این نتیجه برسد که یک معامله، نظام‌مند است یا خیر ، باید برای آن معامله در مقایسه با سایر معاملاتی که نظام‌مند تلقی می‌شوند، وزن کمتری قائل شود.

یک واحد تجاری لزومی ندارد برای تعیین اینکه یک معامله نظام‌مند است یا خیر، تلاش جامعی انجام دهد، اما نباید اطلاعاتي را كه بطور معقول در دسترس است، نادیده بگیرد. هنگامی که واحد تجاری یک طرف معامله باشد، فرض بر این است که اطلاعات کافی در اختیار دارد تا به این نتیجه برسد که معامله، نظام‌مند است یا خیر.

## استفاده ازقيمتهاي اعلام‌شده‌ای که توسط اشخاص ثالث ارائه می‌شود

ب45. در این استاندارد، استفاده از قيمتهای اعلام‌‌شده‌ای که توسط اشخاص ثالث مانند ارائه‌دهندگان خدمات قیمت‌گذاری يا کارگزاران، ارائه می‌شود منع نمی‌گردد، مشروط بر اینکه واحد تجاری به این نتیجه رسیده باشد که قيمتهاي اعلام‌‌شده توسط آن اشخاص، طبق این استاندارد تعیین شده است.

ب46. اگر در حجم یا سطح فعالیت برای یک دارایی یا یک بدهی، کاهش قابل ملاحظه وجود داشته باشد، واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا قيمتهاي اعلام‌شده که توسط اشخاص ثالث ارائه می‌شود، با استفاده از اطلاعات جاری که بازتابی از معاملات نظام‌مند است، ایجاد شده است یا با استفاده از یک تکنیک ارزشيابي که بازتابی از مفروضات فعالان بازار (شامل مفروضات مربوط به ریسک) است. واحد تجاری در وزن دادن به قيمتهاي اعلام‌شده به عنوان یک داده ورودی برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه، کمترین وزن را (در مقایسه با سایر شاخصهای ارزش منصفانه که منعکس‌کننده نتایج معاملات است) برای قیمت اعلام‌شده‌ای قائل می‌شود که منعکس‌کننده نتیجه معاملات نیست.

ب47. علاوه بر این، هنگام وزن دادن به شواهد موجود، باید ماهیت قیمت اعلام‌شده (برای مثال، اینکه قیمت اعلام‌شده، قيمت شاخص است یا پیشنهاد الزام‌آور) در نظر گرفته شود و به قیمت اعلام‌شده که توسط اشخاص ثالث ارائه می‌شود و بیانگر پیشنهادهای الزام‌آور است، وزن بیشتری داده شود.

پیوست پ

گذار

**این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد حسابداری است و مانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است.**

پ2. این استاندارد، باید از ابتدای دوره‌ سالانه‌ای که برای نخستین بار بکار گرفته می‌شود، با تسري به آينده اعمال شود.

پ3. ضرورتی ندارد كه الزامات افشای این استاندارد، در تهیه اطلاعات مقایسه‌ای دوره‌های قبل از بکارگیری اولیه این استاندارد بکار گرفته شود.

1. **. در این استاندارد، مبالغ پولی به صورت ”واحد پول“ بیان می‌شود**. [↑](#footnote-ref-2)